



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - ابهامات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۲۲۱۲

۱ شنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۳۴

سال یازدهم

شماره مسلسل ۲۰۴  
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۰۴

صورت مشروح مذاکرات مجلس روزیک شنبه  
پانزدهم بهمن ماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب:

- (۱) طرح صورت مجلس
- (۲) بیانات آقای نایب رئیس بمناسبت روز ۱۰ بهمن
- (۳) بیانات قبل از دستور آقای حائریزاده
- (۴) اعلام تصویب صورت مجلس
- (۵) بقیه بیانات قبل از دستور آقای حائریزاده و بیانات آقای شوشتری - خلعتیری و دولت آبادی
- (۶) طرح گزارش کمیسیون بودجه راجع باضافه اعتبار وزارت کشاورزی جهت دفع آفات
- (۷) اخذ رأی و تصویب يك فوریت لایحه عوارض بنزین جهت مستمندان
- (۱۰) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت چهل و پنج دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای اردلان (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- طرح صورت مجلس  
نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه

قبل قرائت میشود.

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه آقایان : محمودی  
خزیمه علم . دکتر جزایری . محمود ذوالفقاری  
مهندس ظفر . سلطان مراد بختیار . صدیقی  
اسفندیاری . ثقة الاسلامی . کی نژاد .  
بوداغبان . اورنگ . پیراسته . حائریزاده .  
دولتشاهی . صارمی .  
غائبین بی اجازه آقایان : اریه .  
مهندس شاهرخشاهی . قوامی . شیبانی

دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه -  
آقایان : صرافزاده . لاری . دکتر سید امامی  
عاملی . رضائی . یارافشار . فریدار . کی .  
سالار بهزادی . قنات آبادی . افشار صادقی  
اسکندری . سنندجی . اردلان . جلیلووند .  
معین زاده . مسعودی . احمد صفائی .  
موسوی . مکرم . بهادری . سرمد . مصطفی  
ذوالفقاری . غضنفری . عبدالرحمن فرامرزی  
کیکاسوسی . عبدالحمید بختیار .  
دیر آمدگان و زود رفتگان بی اجازه -  
آقایان : کیو . میراشرفی . مهندس جفرودی  
دکتر حمزوی . امیر تیمور کلالی .  
نایب رئیس - نسبت بصورت

مجلس اعتراضی نیست؟ (اظهاری نشد)  
تصویب صورت مجلس بعد از حصول اکثریت  
اعلام میشود

۲- بیانات آقای نایب رئیس  
بمناسبت روز پانزدهم

بهمن

نایب رئیس - آقایان نمایندگان محترم  
استحضار دارند امروز پانزدهم بهمن مصادف  
با روزی است که خداوند قادر متعال سلامت  
ذات اقدس شاهنشاه عظیم الشان را از يك  
سوء قصد خائنانه محفوظ فرمود (صحیح  
است) خوشبختانه نعمت صحت و سلامت  
وجود مبارك شاهانه موجب آن است که  
ما نمایندگان ملت در مقابل این موهبت  
الهی بدرگاه حضرت احدیت شکرگزاری  
نموده و دعا بطول عمر و عظمت اهل حضرت  
همایون شاهنشاهی نمائیم (صحیح است)  
از خداوند متعال مثلث می نمایم که  
سالهای سال شاهنشاه جوانبخت بر اریکه  
سلطنت تکیه فرموده و تحت توجهات  
شاهانه ملت عزیز ایران با رفاه و آسایش  
راه سعادت و عظمت باستانی خود را بیاماید  
(انشاءالله)

۳- بیانات قبل از دستور  
آقای حائریزاده

نایب رئیس - حالانطق قبل از دستور  
شروع میشود (شوشتری - دستور) آقای  
حائریزاده بفرمائید

حائریزاده - مدتی است من

برای این که بیایم يك مطلب لازمی را  
بعرض آقایان برسانم بخواهم برخورد و  
این چند روز من مریض بودم امروز آمدم  
و بحمدالله آقای نایب رئیس موافقت فرمودند و مقام  
ریاست اجازه دادند که در این موضوع  
صحبت کنم . عرایض خود مرا باید خیلی  
مختصر بکنم چون وقت خیلی کم است و اگر  
آقایان لطف بفرمایند که یک قدری بروقت  
من بیفزایند که این مطالب را محتاج نباشم  
در جلسه دیگری حلاجی کنم و بگویم بیشتر  
متشکر می شوم . امروز مورد بخت من دشمنان

دانا و یا دوستان نادان اعلی حضرت است  
در این مملکت يك اشخاص متملق یا  
ضعیف النفسی هستند که در عالم دوستی  
بواسطه ضعف نفسشان دشمنی میکنند و  
اگر کسی بگوید که این جریان صحیح نیست  
برای هوچگیری و آشفته کردن محیطی  
می کنند . در این مملکت يك کشمکشها و  
زد و خورد هائی با سیاست خارجی شد  
بدبختانه یا خوشبختانه بنده هم در این  
کوران بودم و آن اشخاصی که در این  
مبارزه وارد بودند با يك حسن نیتی  
ندای ملت ایران را بلند کردند و حقوق  
حقه ایران را که انگلستان غصب کرده بود  
خواستند استرداد کنند در مسائل سیاسی  
همیشه ممکن است اشخاص مسامحه اشتباه  
و غفلتی کرده باشند و در این جنگ و مبارزه  
شکست خورده باشند در همه جنگی آدم  
سند نداده که فتح بکنند شکست میخورد  
انگلستان در آن موقع دارای قدرتی نبود  
که اگر ایران درست عمل کرده بود ایران  
موفق شده بود ولی برای خود خواهی  
بعضی از مصادر امور چند سال وقت تلف  
شد تا دومرتبه انگلستان دارای قدرتی شد  
و توانست که ایران را مملکت ذبح و شریف  
ایران را شکست دهد و تعجب کند اراده  
خودش را بملت ایران ، مع الوصف اگر  
سه شاهی های پادشاهان نفت ایران از آنروز  
بیشتر شده و باید این ملت شده در نتیجه  
آن فداکاری است که در آن روزها کردند  
اگر چنانچه امیدی هست که بعدها عایدات ما  
خیلی بالا برود ارزش آنزده درصد بیست در  
صد قلابی به پنجاه در صد حقیقی انشاءالله  
برسد خوب البته خیلی جلورفته است بالینکه  
شکست خورده است ملت ایران با اینک  
قرارداد کنسرسیون بضرر ملت ایران بسته  
شده است مع الوصف در نتیجه آن فداکارها

یک چند قدمی بجزورفته ایم حالاهمان دست  
ها برای انتقام گرفتن مدتی است مشغول  
است هر کس قدمی برداشته قلمی برداشته  
اقدامی کرده میخوانند او را بهر شکل  
بتوانند اجنبی مال کنند کثیف کنند بکشت  
روزنامه‌چی تحت اختیار این دستگاه  
دوسه سازی هست برای مزاحمت در این  
چند سال اخیر چندین قتل و ترور اتفاق  
افتاده مرحوم محمد معتمد، دهقان، کسروی  
هزیر، رزم آرا، انشار خوس وزنگه،  
خوب یاد دستجاتی هم در این شهر بودند  
که اینها ممکن است طرف تهمت باشند  
کدر این جنایاتها در این قتلها ترورها  
وارد بودند آنها را کاری ندارم که حالا  
لباس مذهبی پوشیدن با لباس نظامی پوشیدن  
فرقی نمیکند باید در تحقیق کرد - در  
قضیه قتل محمد معتمد اطلاعاتی که بمن  
رسید و در پشت تریبون هم گفتم آن دو  
نفر سر بازی که مطلع و مستعضر بودند اول  
یکی را تحریک کردند آن یکی را کشت و  
بعد آن را هم بعنوان قاتل کشتند که آثار  
جرم معروض و دیگر شاهدی در بین  
نباشد حال این دوستان نادان اعلیحضرت  
یاد عثمان دانای اعلیحضرت این دوسه کهنه  
هارا بقل کرده اند و آمده اند میدان که هر  
کسی بکشتائی بلند بکشد بک حرفی بزنی بک  
روز علیه نف اقدامی کرده او را بکو بکشند.  
اینها از یک جاهای خیلی عمیقی سر چشمه  
دارد این آرموده و غیر آرموده نیستند این  
سرچشمه عمیقی دارد و اینها آلت اجرای  
جنایات هستند هر متهی مادامی که مورد  
حکم محکمه واقع نشده است نمی شود بعنوان  
متهم باو توهین کرد اذیت کرد فشار داد  
هنوان های علمی هم مثل مقام بیست که لقب  
و منصب بیکی بهمند مثل جناب اشرفی که  
یک روز بقوام السلطنه دادند و بکروز پس  
گرفتند حالا اگر بگو د کتر است آیت الله  
است این را نمیشود ازش بگیرند  
(بکنفر از نمایندگان - همه اینها قلابی اش  
هم هست) قلابی هم هست ولی خیلی فرق  
نمیکند دستگاهی که برای قضاوت هست در  
همه جای دنیا، دستگاه دادگستری است  
مگر این مسائل اشتنائی گاهی پیش آمده  
و بقشونی ها اجازه دادند که آنها در این  
جریانهای قضائی وارد بشوند آن واردی  
است که انقلاب پیش بیاید یک قیامی علیه  
شاه بشود علیه ولیعهد بشود علیه رژیم و  
سلطنت بشود در آنجا در آن قیام فرصت  
اینکه آن را بدهند دادگستری تحقیق  
بکنند نیست اجازه دادند بدستگاه قشونی  
که شما تحقیق کنید و قضاوت کنید ولی  
پایوش دوزی که هر کس حرفه میکند این  
توهین بمقام سلطنت است و خیال تغییر  
رژیم و قانون اساسی را داشته این حرف  
خیلی چرند است که اینها دنبالش را گرفته اند  
هر قتل که اتفاق میافتد و جنایاتی که اتفاق

میافتد در دنیا (این باز پرس منحصراً -  
مملکت ما نیست منحصراً به قرآین مانیت  
در همه جای دنیا هست) آن مأمور تحقیق در  
مقام این بر میآید معلوم کند که این قتل به نفع  
کی بود اگر این زنده بود بضرر کی بود آنجا  
وارد می شود به تحقیق که برود ببیند مصدق  
کی بوده مسیب کی بوده عامل کی بوده  
مباشر کی بوده از اینجا شروع میکنند و  
جریان روشن بشود و از قتل کسروی شروع  
می کنند کسروی یک مردی بود قاضی  
دادگستری مرد فاضلی بود ولی خوش سابقه  
نبود فاضل، رشید چیز فهم و چیز نویس  
بود ولی خوش سابقه نبود در یک معاکمه  
انتظامی که پیرونده پیدا کرده بود خود من  
در آن معاکمه کمک کردم و تعقیب دادیم  
مجازاتش را چون با او طرف شد برود  
چیزی علیه او نوشته بود داور میخواست او را  
محکوم بکند یک دوسه سازی غلبه شده  
بود و در محکمه انتظامی بعنوان عمل نمائی  
حیثیت قضائی سمت قضائی او را سلب کرده  
بودند در تجدید نظری که من عضو بودم  
لواجیح او را که دیدم دیدم که روی شادتش  
روی اطلاعاتش مبارزه کرده و دارند برای  
او دوسه میسازند و من خیلی مقاومت کردم  
این کسروی یکی از چیزهایی که نوشته بود  
یک رساله ای بود که نوشته بود صفویه سید  
نبوده اند این هم دلیل کج سلبه گی او بود  
خوب صفویه سید بودند یا نبوده اند چه  
ارتباطی به وضع امروزی دارد خیلی از آن  
ها یک خدمتی کرده اند بیک سلطنتی کرده اند  
ورفته اند بعضی هم بیعرضه بودند مثل شاه  
سلطان حسین صفوی مملکت را بیاد قتل  
داد حالا یک رساله ای بنویسید که اینها سید  
نیستند هی استدلال کنید که شیخ صفی گفت  
چیز کی گفت نتیجه ای برای امروز ما  
دارد یک آقا سیدی هم که او خودش را مربوط  
به صفویه میدانسته بهش بر میخورد راه  
میافتد علیه کسروی یکی دودمه فحش کاری  
کنش کاری میکند تا بالاخره کار به کشتار  
میرسد چون کسروی یک مردی بود خیلی  
رشید و بی اعتنا در چیز نوشتن بعضی ها  
یادداشتهای او را تصور کرده بودند مخالف  
مذهب بود مخالف اسلام بود من فرصت  
نکردم همه اش را مطالعه کنم که در این  
موضوع اظهار نظری بکنم ولی در قضیه  
قتل او تحریک احساساتی نمود مردمان متفردی  
که بودند مردمانی که صاحب مجراب و  
منبر و مقامی بودند آنها شروع کردند  
باینکه این جنبه مذهبی دارد و این قضیه را  
باید ماست ممالی کرد حالا من وارد قضیه  
نبودم که چه جور ماست مالی شد من در  
معاکمه او نبودم (دکتر انشار - گفتند  
انتظار کرد) نوی این شهر هم یک دسته مائی  
هستند که خودشان وسیله اینکه انتقام از  
رقیبشان بگیرند ندارند میگردند یک جا  
محرکی پیدا کنند حالا این چاقو کش  
مذهبی باشد یا غیر مذهبی فرقی نمیکند

یک کسی را پیدا میکنند که قدر باشد و  
تقویتش میکنند میاندازند بجان رقیبش آن  
این اصلی است که در این شهر هست این  
آقای صفوی و دوستانش برای جلب  
حساب هر مقامی که دارای یک نفوذ و قدرتی  
بود رفتند هر کسی روی سابقه خودش از  
آنها حمایت کرد و آنها چون به لباس  
حمایت مذهب در آمده بودند و جنبه  
افراطی در کار های مذهبی گرفته  
بودند اینها بیشتر در سایه آقایان  
علماء و صحیح اسلام خود را پناه  
می دادند آقایان هم البته اگر بکده مریدها  
و کسانی باشند که بظاهر امر بمرور و نهی  
از منکر میکنند ببدان نمایان (صفاری -  
باین سادگی نبود) این جریان پوشش و پوش  
اوج پیدا کرد در دوره ۱۶ که انتخابات  
تهران شروع میشد و همین جناب صفاری  
رئیس شهرتانی وقت بودند در همان موقع  
دوسه سازی کردند و ما را هم گرفتند و  
جس کردند (خنده نمایان گان) (صفاری -  
عرض کردم که باین سادگی نبود یک حقایق  
هم بوده است) ولی با ما خوب رفتار  
کردند من وارد این جریانها نمیشوم و  
کاری ندارم که ایشان رئیس نظمی بودند  
ولی وارد این جریانها نبودند یک دستگاهی بود  
که مأمور اجرا بودند و ایشان رئیس آن دستگاه  
بودند ما از ایشان گله ای نداریم (داراب -  
هیچکس گله ای ندارد) وقتی انتخابات تهران  
در جریان بود البته جناب دکتر مصدق  
کاندید بود حضرت آیت الله کاشانی آن  
موقع در بیروت تبعید بودند ایشان هم کاندید  
بودند ما هم کاندید بودیم ۱۲ نفر کاندید  
تهران بودیم و هر کدام یک گوشه ای را  
میکرقتیم برای کار انتخابات و وظیفه من بعضی  
از رفقا دیدن در مجامع بود هر جا یک  
انجمنی تشکیل میشد ما را دعوت میکردند  
میرفتیم صحبت میکردیم یکی از رفقای ما  
بود که ممکن است راضی نباشد که اسمش را  
بیرم اوشاه و ناهاز آن کسانی را که مأمور  
حفاظت صندوقهای انتخابات بودند که  
مأمورین دولت آنها را عوض نکنند تهیه  
میکردم نتیجه همه میت فدائیان اسلام مجاهدین  
اسلام بنا بر ادب کتیب است بابت الله کاشانی  
داشتند و ایشان در بیروت بودند آنها هم  
در انتخابات دخالت میکردند من نظر هست  
همان طعمه ای شب تا صبح توی یخ پای  
مصدق بود برای اینکه صندوقها را عوض  
نکنند (حشمتی - همان کاری که حزب دمکرات  
قوام السلطنه با ما کرد آنها هم با شما  
کردند)

**نایب رئیس** - آقای حائز زاده ۱  
دقیقه وقت نطق جناب عالی تمام شد  
**حائز زاده** - اگر آقایان اجازه  
بدهند که من صحبتها را تمام کنم خیلی ممنون  
میشوم

**نایب رئیس** - چه قدر وقت  
میخواهد؟

صفحه ۳

مذاکرات مجلس شورای ملی

مؤسین مشروطیت بود اوردید که گنداین  
کار بالا آمده و باید این صندوقها را ابطال  
کند و از سر نو انتخابات کنند حالا مائوری  
مجس بودیم و از این کارها خبر نداشتیم  
در مجلس اختصاصی می آمدند گاهی برای  
احوال پرسیدن می رفتند توی اطاق رئیس مجلس  
می نشستند و می فرستادند توی مریشخانه  
بن اطلاع میدادند قفا و بست های مجلس  
را باز میکردند مامی آمدیم و اظهار تشکری  
از آقایانی که اظهار لطف میکردند می کردیم  
و بعد می رفتیم بکی از روزها گفتند دو نفر  
آمده اند اینجا که یکیش همینجا است همین  
آقای بزدی آقای صرافزاده است یکی  
اوبود یکیش هم آقا سید احمد طباطبائی  
قبی بود گفتند این دو نفر آمده اند ما هم  
خیلی مجرمانه جناب رزم آرا که رئیس ستاد  
است سلام رسانیده است بشما گفته است  
که مادر این قضایا هر چه تشکیلاتمان تحقیق  
کرد این قضیه قتل هزیر ارتباطی باشا  
نداشته و برای آزادی شما مامی نیست  
و من با اعلیحضرت هم که با آمریکا تشریف  
بردمند گزارش دادم البته کسی که من  
هیچوقت او را ندیده بودم دوستی و مناسباتی  
بالونداشتم بک چنین بیگانه توی مجلس رای من  
داده بیک همه جمع عملی کرده است قبل آنست  
با بیک احساسات خوبی پیدا کردم بیرون  
که آمدم چند مجلس دیگر دیدم و ملی  
چون من میدیدم با د کتر بقایم همکاری  
او خیلی سختی و اجاجت کرده است  
روزنامه اش را بسته و توقیف کرده و محکومیت  
قلمی که در ادارات نظامی معمول است که  
مافوق وقتی امر داد ببا دون او امر مافوق را  
اجرا میکند او که قاضی نیست مأمور ماردونی  
است که او امر مافوق را اجرا میکند قضاوت  
و چیزی در کار نیست (یکی از نمایندگان -  
قدیمها اینطور بوده) (بزرگ ابراهیمی -  
هیچوقت اینطور نبود است) بله هیچوقت نبوده  
در زمان د کتر مصدق راجع بقتل افشار  
طوس که تعلقهایشان را در پشت درادید  
میگفتند و مامی شنیدیم آنوقت هیچ فشار  
و تهدیدی نبوده اگر آن نطقها درست است  
اینها هم هست - دادگستری ما جوان است  
ولی قضاوت پیر دارد ولی قشون سر باز قوی -  
الاراده لازم دارد و قاضی لازم ندارد قشون  
برای مواقع جنگ است او باید امر را اجرا  
کند اگر قشون را ول بکنید که عمل و کار  
خودش را بکنند این قشون نیست چون باید  
دیسیپلین درش حکم فرما باشد مافوق امر  
بدهد ماردون اجرا بکنند این ترتیب قشون  
است که او امر مافوق ککور گورانه باید  
اجرا بشود و نسبت بماردون هر امری که داده  
میشود حق چون و چر امادون نداشته باشد  
اضطباط قشون روی این پایه گذاشته شده است  
مرحوم رزم آرا کی بود؟ مرحوم رزم آرا  
یک افسری بود خیلی با دیسیپلین، با انظام  
باهوش مؤدب و معقول من چند مجلس که او

را بعد ما دیدم تمام این صفات را در او یافتیم  
که مردی است خیلی باهوش ، مدیر،  
مدیر و منظم ، در این مملکت مع التأسف  
اشخاصی که مزایای دارند چون اوضاع  
خیلی بلشو است ممکن است که از حد و  
مرز خودشان خیال تجاوز را نکنند و همان  
وقت ها که او رئیس ستاد بود ، مرحوم  
رزم آرا ، یک شهرتهائی بود که او یک نقشه  
کو دتائی دارد نقشه تغییر رژیم دارد نقشه  
تغییر قانون اساسی را دارد یک همچو  
شهرتهائی بود حتی یک شخصی که جای این  
آرموده بود آن زمانی که ارفع رئیس  
ستاد بود او هم دادستان بود گویا حالا  
اسمش را فراموش نکرده باشم سر هک  
دیهم است (میرا شرفی سر تیب دیهمی است)  
بله سر تیب دیهمی که بعد هم از آوردنهای  
اعلیحضرت شد او مرادمه کرازا منزل من  
آمد و راجع برزم آرا خلب صحبتها میکرد  
حتی عکس بعضی از یادداشتها را که رزم آرا  
کرده بوده برداشته بودند و برای من  
میاورد ولی من نه با او معتقد بودم و نه برزم آرا  
آقای دکتی بقائی که در اوایل مجلس ۱۵  
صف علیهدای داشت در اواخر دوره ۱۵  
۴ یا ۵ ماه باخر دوره ۱۵ مانده او هم  
بماملحتی شد و در صرف اقلیت وارد شد و  
شروع کرد باستیضاح از دولت، راجع مابین  
موضوع هم بسیار علاقمند بود و من آن  
عکس هارا در اختیار ایشان گذاشتم ایشان  
هم در مجلس ضمن نطقهایشان گفتند و  
عکس هارا بمجلس هم دادند این سوابق  
راجع بر مرحوم رزم آرا بود حالاهتمت بود  
یا حقیقت بود ، این حرفها بود که او میزد  
برای یک مقاماتی او خلاصه میل داشت  
عبدالناصر ایران بشود اینطور میگفتند،  
دروغ ممکن است باشد (دکتر شاهکار -  
حتماً دروغ است این حساب جناب عالی صحیح  
سلطنت و برای بیطرف بودن مقام سلطنت و  
برای حفظ احترام مقام سلطنت برای اینکه  
خداشای درش پیدا نشود - اینکه عرض  
میکند دوستان نادان بادشندان داناهمانهائی  
هستند که به اعلیحضرت تلقین میکنند  
که اعلیحضرت از اختیاراتشان استفاده  
کنند اعلیحضرت اختیاراتشان زیاد است  
ولی مصلحت نیست که از اختیارات خودشان  
استفاده کنند اختیارات مجلس هم زیاد  
است باید این را فکر کرد و کیل که پشت  
تریبون میآید اختیاراتش زیاد است ممکن  
است هر روز استیضاح بکند باید اوضاع  
و احوال محیط را در نظر بگیرند بهینه  
مصلحت هست یا نیست ما که شوخی نداریم  
نسلهائی مملکت را حفظ بگرداند امروز  
بدبختانه مقدراتش بدست ما سپرده شده ما  
باید رویه ای اتخاذ کنیم که برای نسلهای  
آینده ، این مملکت باقی بماند ما نباید یک  
قدری احساسات خودمان را بنطق و قتل  
غلبه بدهیم رزم آرا رئیس دولت شد  
کشمکش در مجلس شد بدشادولی ۹۰ و چند

کرده بودند) تمایل زمان شام سابق هم  
بود صورت مجلس های دوره های پنجم و  
ششم را ببخوانید در زمان اعلیحضرت فقید  
موقمی که یک دولتی مستعفی میشد چراغ  
علی خان پسر عموی خوش را میفرستاد  
پیش رئیس مجلس که رولت استعفا کرده  
تمایل بمجلس را معلوم کنید (زنگنه - قانوناً  
چطور است؟) این در صورت مجلس ها  
هست من جعل نکردم و این موضوع را  
من کرازا حضور اعلیحضرت عرض کردم  
که این مسئله برای حفظ احترام مقام سلطنت  
است که مبارز مقام سلطنت یک کسی را که  
برود آنجا خودش را خدمت گزار معرفی  
کند فرمانی دستش بدهد و نمایندگان ملت  
باو اعتماد نکنند ورد کنند و این بهر شت مقام  
سلطنت لطمه وارد کنند و برای  
این که این پیش آمد نشود مقرراتی  
وضع کردند و آن این بوده است  
که قبلاً تمایل بخواهند بهینه هر کسی در  
این تمایز اکثریت دارد فرمان بکش بدهند  
این سنت را زمانی که ناصر الملک نایب -  
السلطنه ایران بوده گذاشته و این سنت هم  
ادامه داشته این اواخر بهم خورد و این  
بضرر مقام سلطنت است که این سنت بهم بخورد  
برای اینکه فشارهای داخلی و خارجی  
گاهی مشکلی پیش آمده میکند که میخواهند  
از اختیارات اعلیحضرت سوء استفاده  
بکنند اگر اعلیحضرت مقاومت بکنند یک  
دشمن های بیخودی برای خودش درست  
میکند و اگر مقاومت نکنند بضرر مملکت  
تمام میشود بنابراین صلاح این است که  
این سنت باقی باشد من حضور اعلیحضرت  
دوسه دفعه این موضوع را عرض کردم  
ادله اش را هم حضورشان عرض کردم  
که این مصلحتی است برای حفظ مقام  
سلطنت و برای بیطرف بودن مقام سلطنت و  
برای حفظ احترام مقام سلطنت برای اینکه  
خداشای درش پیدا نشود - اینکه عرض  
میکند دوستان نادان بادشندان داناهمانهائی  
هستند که به اعلیحضرت تلقین میکنند  
که اعلیحضرت اختیاراتشان زیاد است  
ولی مصلحت نیست که از اختیارات خودشان  
استفاده کنند اختیارات مجلس هم زیاد  
است باید این را فکر کرد و کیل که پشت  
تریبون میآید اختیاراتش زیاد است ممکن  
است هر روز استیضاح بکند باید اوضاع  
و احوال محیط را در نظر بگیرند بهینه  
مصلحت هست یا نیست ما که شوخی نداریم  
نسلهائی مملکت را حفظ بگرداند امروز  
بدبختانه مقدراتش بدست ما سپرده شده ما  
باید رویه ای اتخاذ کنیم که برای نسلهای  
آینده ، این مملکت باقی بماند ما نباید یک  
قدری احساسات خودمان را بنطق و قتل  
غلبه بدهیم رزم آرا رئیس دولت شد  
کشمکش در مجلس شد بدشادولی ۹۰ و چند

رای موافق داشت من نظرم میآید یک روزی  
او آمده بود پشت تریبون راجع به چه  
مشکل ای حال ایام نیست میخواست صحبت  
کند که سرو صدا از رفقای ما بلند شد این  
تخته هارا شکستند و من چون صدای اولی  
نشستم بودم و صدای دومی جناب د کتر مصدق  
نشسته بود این تخته شکستن ها را رفا همه  
اقدام میکردند و من تعجب میکردم که خوب  
حرف را باید شنید اگر منطبق دارد قبول  
کنیم اگر حرفی به حساب است باید رد  
کنیم اینکه تخته را شکستیم این معنی ندارد  
کرازا د کتر مصدق از من گله میکرد که  
شما با رفا همکاری نمیکنید تخته شکستید  
(خنده نمایان گان) گفت من در مسائل کلی و  
اصولی هم جا دارم میروم ولی جریان صکه  
سابقه من درست نمایم دنبالش نمیروم اگر  
با کسی مخالف هستم میروم پشت تریبون  
حرفهایم را رد میکنم با منطبق و استدلال  
میگویم که این حرف توجیح نیست ولی  
هیا هم که منطبق ندارد - رزم آرا در آن  
مدتی که نخست وزیر بود کرازا سعی کرد  
با جبهه ملی بیاید همکاری بکند یکی دو  
جلسه در منزل جناب صالح که یکی از افراد  
جبهه ملی بود آمد و جناب د کتر مصدق را  
هم دعوت کردند آنها نشستند  
با هم دوساعت صحبت کردند صحبتایشان  
بجائی رسید و توافقی حاصل نشد و جناب  
د کتر مصدق آمد اینجا پشت تریبون و آن  
صورت جلسه را با نقل کرد و رزم آرا آمد  
و جوابهایش را نقل کرد ، یکی دو مجلس  
با من صحبت میکرد که با جبهه ملی چه  
جوری کنار بیایم منتهی من مثل جناب  
د کتر مصدق مذاکراته جرمانه را مصلحت  
نمیدانستم که اینجا پشت تریبون بیگویم و  
اگر هوچی گری این دستگاه دوسه سازی  
قشونی نبود من این حرفها را حالا هم  
نمیگفتم ولی حالا گذشته - گفتن این حرف  
ها ضررش محسوس نیست جنبه تاریخ دارد،  
در این موضوع صحبت میکرد که توافقی  
حاصل بشود حتی درموضوع نفت - مادام  
مجلس خیلی شدید مخالفت میکردیم او  
میگفت که مخالفتهای شما تا بال بنفع ما  
بوده و انگلیسها خیلی بیاده شده اند و  
امیدواریم که نتیجه خوبی بتوانیم از این  
کشمکش ها بگیریم و برای همکاری با جبهه  
ملی او میخواست بهینه چه رویه ای اتخاذ  
کند من باو گفتم که این رویه عملی نیست  
چرا که با د کتر مصدق خودت دو جلسه صحبت  
کردی دمی که قضیه از چه قرار است  
دکتر بقائی راهم که توجیحش کرده ام  
آن بالا مارا بر سر آوردی ، روزنامه اش را  
توقیف کردی او هم نمیتواند ترواعتقاد کند  
اعتماد چیزی نیست که بشود از کسیون  
کرد یکی که تو بن اعتماد بکنی من سیاست  
خارجی تو روشن نیست من در کار های  
داخلی تریا که در در زبده فعال تابل می دانم  
ولی من نمایانم این جریان که تو میروی ما



را بکنجا خواهد برد و چون پیش من مبهم است من هم نمیتوانم بتو اعتماد کنم ، این روابط دوستانه را من همیشه سعی میکنم باز روابط سیاسی مخلوط نشود این آقای ارباب مهدی حالا چهل سال است که ما با هم دوست هستیم (ارباب - صحیح است) او در جهت دیگری بوده ، من در جهت دیگری بودم ، اغلب با هم در سیاست مخالف بودیم (ارباب - ارادت دارم) هیچوقت هم تقاضائی نکردم که در سیاست لطمه ای بایشان وارد بیاید یا او از من تقاضائی بکنند اینطور نبوده است . (ارباب - صحیح است) هر کدام بجای خودش ، دوستی بجای خودش سیاست چایش علیحد است این رویه ای که من از قدامت داشته ام حالا هم دارم ، این آقایان وزراء که می آیند این جا من با بغضشان دوستم رفیقم سوابق دارم ، ولی رویه تمام اینها را غلط میدانم و مضر میدانم و ورقه کبود هم تا حالا باینها داده ام و الا من خواهم داد این منافات ندارد با اینکه مناسبات شخصی خوب باشد خوب آقای ناصر ذوالفقاری در مجلس همکاری ما بوده اند رفیق هستیم با هم ولی در کارهای سیاسی که می آیند اینجا من مخالف هستم ، منافاتی ندارد ، در داد گستری ، در محکمه ما ۶ ساعت سربك دوسه مشکلی بحث میکردیم بالاخره یکی اقلیت میشد و دیگری اکثریت این یکی نقش نمیکرد ، دیگری ابرام میکرد یا برعکس ، در دوسه دیگر برعکس بود ، رفیق بودیم ، يك بحث حقوقی ، يك بحث سیاسی ، مربوط بحساب شخصی نیست حساب شخصی دوسه اش علیحد است حساب سیاسی در مملکت ما برای کوچک نفسی بعضی ها وقتیکه در موضوعات کلی مآیوسند که نمیتوانند قدمی بردارند شروع میکنند بحملات شخصی ، بیشتر اینها را میگفتند که کارهای زنانه است ، زنها سنك پای همدیگر را بر میدارند و ازیت بهم میکنند رجال نالایق ما که بر کرسی های بزرگ نشسته اند اینها هم همان رویه هارا اتخاذ میکنند وقتی که میگرددند در تمام پرونده ها يك چیزی برای حائری زاده نمیتوانند پیدا کنند ، خوب يك روزنامه ای که خرچش را دستگاه میدهد مانع ندارد ، که هر روز اعلام بکنند که حائری زاده جزء معاونین قتل رزم آرا بوده این مانع ندارد یواش ، یواش این دوسه میشود و يك مردی که خودش اراده قضائی ندارد تحت امر مافوق هست او هم اقدام میکند هی شروع میکنند بدوسه سازی و ملامت با قانون ، اخیراً من يك روز توی منزل نشسته بودم و قیافه او بنظر من آشنا میآمد بعد معلوم شد برادرش درد داد گستری قضائی دارد و با من آشناست ، این جوان است برادر کوچکتر است قیافه اش شباهت باو دارد ول خیلی معذرت خواست گفت من

نیخواستم حامل این کاغذ باشم ، گفتم موضوع چیست ؟ کاغذ را گرفتیم دیدم که دادستانی ارتش نوشته است که شما فلان ساعت فلان روز بیایید راجع بموضوعی که حضوراً گفته میشود اطلاعاتی دارید بما بدهید . من گفتم مطلب چیست ؟ گفت راجع بقضیه قتل رزم آرا است گفتم من صالح نمیدانم این دستگاه را برای اینکار و رویه ای را هم که اتخاذ کرده اند بضرر مملکت تشخیص میدهم این رویه بضرر شاه ، بضرر مملکت است که شما اتخاذ کرده اید و شما را هم صالح نمیدانم حالا صحبت هائی که آنجا کردیم تمامش را لازم نیست که پشت تریبون بگویم گفتم شما بر بوداستان بگو که صحبت کردن شما با من چندان برفع رویه دوسه سازی بیسید نمیدم ولی من ممنوع نیستم که مصاحبه کنم مصاحبه در منزل من در مجلس هر وقت خواسته باشید ممکن است هر اطلاعاتی را خواسته باشید مثل مغربك روزنامه بیایید از من بیسید من هم جواب میدهم والا من شمارا صالح نمیدانم برای این کار و این رویه و این دوسه کهنه هائی که شما پیدا کرده اید و يك ماده ۳۱۷ پیدا کرده اید هیچ بشما صلاحیت نمیدهد چون موضوع رزم آرا عكس این است این موضوعی را که شما بیراهن عثمان کرده اید ، موضوع رزم آرا عكس این است ماده ۳۱۷ عكس این است . ماده ۳۱۷ وجلو و عقوبت چیست ؟ عههه اگر سوء قصدی نسبت با علی حضرت یا ولیعهد ایشان و یا بحکومتی بشود که منجر بتغییر سلطنت بشود قشونی صالح است از اوضاع واحوال ، جلو و عقبش را که آدم بخواند میفهمد که يك موقعی که يك سروصدائی میشود وصحبت شخص وصحبت این حرفها نیست قشونیا باید آن کسیرا که متعرب است و باقی است میخواهد اساس را بهم بزند نسبت بمقام سلطنت سوء قصدی کرده این را بگیرند و پدرش را در بیاروند يك رئیس الوزرائی که مشکوک است که اگر او رئیس الوزراء بود تغییر قانون اساسی و رژیم داده میشد یا نه ؟ مشکوک است این اتهامات را (عمیدی نوری - صحیح نیست مصدق مشکوک نبود) (شوشتری - مرحوم رزم آرا را میگویند) دکتر مصدق عرض نکردم ، راجع برزم آرا عرض می کنم این موضوع ایجاد صلاحیت برای قشونی نمیکند عههه بگوید ضارب رزم آرا نظر داشته که اساس مملکت و حکومت و رژیم را عوض بکنند و بشمول ماده ۳۱۷ بشود عكس اینرا ممکن است احتمال بدهند که اگر دولت باقی مانده بود ممکن بود که منجر بیه تغییر رژیم و قانون اساسی و سلطنت و اینها بشود ولی احتمال این که با زدن رزم آرا آن رژیم عوض میشود اصلاً آن احتمال نیست چرا ؟ برای این که جناب

علاء که طر - اعتماد علی حضرت بوده و هست بعد از گذشته شن او فردایش آمد نخست وزیر شد و هیچ فرقی نکرد ، مملکت هم در حال عادی بود این آقا آمده می چسباند و استدلال وارونه میکند برای این که يك جماعتی که در جریان نفت ، در جریان مبارزه بانگلسنتان وارد بودند اینها راهی لکه دار بکنند ، هو بکنند ، جار و جنجال بکنند ، دوسه سازند برای این مقصود است . اگر ما برویم و ببینیم که قتل رزم آرا به نفع کی بوده است ، ممکن است رئیس الوزراء بعدش که آمده به نفع او بوده است زیرا او را کشته اند عههه که قدری بیشتر وقت مرحمت بفرمایند بناطبق منم استدعا میکنم اگر از وقت يك ربع رئیس الوزراء بعد بیاید ممکن است بگویم خبر این محلل بوده و برفع رئیس الوزراء بعدتر بوده ، آنهم فرض دارد ولی هیچ ربطی با این بازاری بدبخت که در اقرضای خدا يك سید فقیر را رفته صد تومان ، بانصد تومان باو داده ، بعنوان خس و زکوة ورد مظالم این بدبخت هیچ فرضی نارد که در کوران يك هم جوان قلابی علیه مقام سلطنت وارد شده باشد ، هر کس را که خواسته اند گرفته اند برده اند آنجا که تو با فدائیان اسلام همکاری داشتی ، پول دادی بفلان سید فقیر روضه خوان گویا اولین دفعه ای که من نواب صفوی را دیدم توی منزلی بود و روضه میخواند آنوقت ایام هر ازاداری بود یکی بالای منبر داشت روضه میخواند گفتم کی است این آقا ؟ گفتند که نواب صفوی است خوب يك سید روضه - خوانی که میرفته منبر ، يك بازاری هم باو پولی داده است حالا این بدبخت باید توی مجلس بخوابد ؟ (سلطان مراد بختیار - مگر هیچکس نبود جز این سید قاتل که خمس و زکوة باو بدهند ؟) شما اگر يك قدری بیشتر بقوانین اسلام آشنا بودید این فرمایشرا نمیکردید همانطور که مالیات در مملکت يك قوانینی دارد که باید بگیرند و بيك مصارفی برسانند در اصول اسلامی هم ارباب مکاسب باید يك مبلغی آخر سال حساب کنند آنرا جدا کنند آن يك قسمتش سهم امام اسمش گذاشته میشود يك قسمتش خمس آنرا بسادات میدهند . (عبدالرحمن فرامرزی - زکوة تویش نیست؟) زکوة مال غلات است مال اغنام واحشام است این دوسه اش علیحد است چندین قسم مالیات در اسلام هست یکی هم زکوة است یکی هم زکوة فطره است اینها انواع و اقسام مالیات های اسلامی است .

نایب رئیس - آقای حائری زاده بمسأله وقت شما تمام شد .

حائری زاده - با يك ربع اول نیم ساعت شده .

نایب رئیس - این دومی نیم ساعت شده .

ندارد بگوئیم اطرافیان فاسدند ؟ دوست نادانند ؟ یا دشمن داننا ؟ بنظر من این اظهار بدون دلیل پسندیده نیست ، نماینده هر چه میگوید در مجلس شورای ملی باید دلیل باشد من امروز آنچه عرض میکنم ادله کتبی آنرا از صورت تجلحه مجلس شورای ملی در جلسه دیگر میآورم اینجا تا آقایان ببینند چه نقشه هائی بوده برای از بین بردن سلطنت برای آوردن جمهوریت برای آلوده کردن تمام خدمتگزاران مملکت با جنبی پرستی و اولاد انگلیس خواندن وجه نقشه ای بود بعد از واقعه شهر یورشوم و تشریف بردن مرحوم رضا شاه کبیر برای اینکه اصل را برگردانند و سلطنت را بصورت دیگر در آورند من آنچه میگویم با سند میگویم با نسبت بار آمدنشان بفرمایند (بنهای انشا الله که شما خلاصه میفرمایند) آقا بعضی مطالب است که مضر است بحال مملکت شما از اول نمیکذارید جواب بدهم ، نمیکذارید صحبت کنم یعنی چه ؟ (در این موقع ناطق بعنوان اعتراض با عصبانیت تریبون را ترک گفت) (بعضی از نمایندگان - بفرمایند آقای شوشتری ، بفرمایند) (س از لفظه ای مجدداً آقای شوشتری در محل نطق قرار گرفته بیانات خود ادامه دادند)

شوشتری - یعنی چه ؟ جناب آقای حائری زاده که استدعا دارم از ایشان تشریف داشته باشند عرایض بنده را گوش کنند که از نظر قضائی ، از نظر شرعی ، از نظر انجام وظیفه از نظر آبروی مملکت از نظر صلاح اندیشی نسبت بمملکت از نظر خدمت بسریور و سلطه سلطنت ، از نظر حفظ رعایت آبروی کارمندان دولت اعم از هیأت دولت و غیره خوب بومی نشنند گوش میکردند و از روی محفوظات و خیالات و امیال نفسانی يك فرمایشات نمیفرمودند که این فرمایشات در اذهان ساده لوحان و اقطار مملکت از عاشر و رعایا زراع تجار و سایر طبقات مملکت ممکن است سوء اثر کند فرمودند که اطرافیان بادشاه جزء اولش دوستان نادان یادشتمان دانا هر چه را که من خیال کردم که این خیال منطبق با واقع است کجا دوست نادان است که نماینده معرفی بشود؟ کدام دشمن دانانی است که عمل کرده است ؟ وانگشت نمیکذارید روی عمل او ؟ صرف این که به گویند اطرافیان بادشاه ، باینکه همه اذعان داریم که شاهنشاه شاهنشاهی است تجربه دیده شاهنشاهی است که آن سوانح عجیب که نظیرش را کمتر در دنیا میتوان نشان داد بر آن بادشاه آمد و آن بادشاه اراده حق خالق آسمان و زمین و مافی الارض و السماء خالق ایرانها آن بادشاه را که امروزه ۱۰ همون است و نطق جناب اردلان تشکر و دعای و کلاهی ملت را بیبشگاه شاه تقدیم داشت وجود پادشاهی که خدمتگزار بمملکت منافع دارد و این حرفها هم حرفهای کهنه است

مانه با کسی جنگ داریم و نه با کسی سر دشمنی و عناد داریم با تمام دول احترام مقابل داریم هر کس حقوق حقه ما را حفظ کرد مانست باو تجلیل میکنیم و هر کس هر دولتی هر قدر قدرت داشته باشد ، مثل اینکه رادوی يك دولت قوی همسایه ما من جرت میگوید مقابلش حرف بزنیم جواب های و هوش را ما میدهیم ماملتی هستیم که علی الظاهر ضعیفیم اما ما ملتی هستیم ملتی بعنایت پروردگار و متدین بدین اسلام و در تحت حمایت شاهنشاه از جان گذشته حقوق حقه مملکتانرا حفظ میکنیم مقتضی نیست این حرفها در مجلس با بصورت زده بشود و اذهان مردم را مشوب کند . اما راجع بقتل محمد مسعود در فرمایشات خودشان میخواهند بفرمایند که نظامی کشت نظامی زد آقایان آيا سندن کتبی ، اقرار صحیح قاتلین است یا روی استعاره روی آنکه من هر ضه میدارم یکی فرمودند راجع باستیفای حق ملت ایران از کمیانی اجنبی آقایان انصاف بدهید باینیدر و بصورت مجلس را قبل از اینکه و کلاهی تهران بمجلس ۱۶ بیایند در کابینه جناب آقای ساعد و جناب آقای منصور الملک روز اول کابینه منصور الملک در اینجا بنده شرمند خدمتگزار غلام آقایان يك ساعت و بیست و هشت دقیقه صحبت کردم که سیاست مرعوز دوست ساله مملکت ایران را بصورت فقر در آورده یکی از شعب آن استیفای حقوق حقه ملت ایران است از نفت جنوب و برهان آن این است که الآن همان اشخاصی که آنروز چار حمله می شدند در چهار حجره میشدند چه در سنا و چه در مجلس شورای ملی اعتراض دارند راجع بمخارجی که برای نفت ۵۰۰ میلیون است ، نیدانم چقدر است الا ان هم ما همان اعتراض را داریم آنوقت اظهار کردند آقایان تشریف آوردند ملت ایران يك ملت باهوشی است ، يك ملت احساساتی است يك ملتی است که همه وقت در مواقع مشکل فداکاری خود را بعدا کثر از قدرت بمنصه عمل و اجر دارد آورده است از این احساسات يك مصدقی که اغراض دیگر داشت سوء استفاده کرد آمد خود را جازد رئیس نهضت ملی شد اصلاً بنده همانطور که گفتم فدائی اسلام ، هر کس که مسلمان است فدائی اسلام است هر کس هم ایرانی است نهضتی دارد در استیفای حق ملت ایران این خاصه و خرجی ، این انحصار کردن باینکه من خدمتگزارم ولی العیاذ بالله آقای معسن اکبر خدمتگزار نیست این حرف غرض است غرض است غرض است هر کس ایرانی است خادم ایران است همه همه ، همه ملت ایران وطنخواهند ، خدا پرستند و وطن خواهند .

اما میفرمایند شکست ملت ایران از انگلیس ، چه چنگی ؟ کدام شکست ملتی که جنبش کرد ملتی که میخواهد استیفای حقوق خود را بکند همه وقت آن نظر را دارد و این حرفها هم حرفهای کهنه است

برایشان پیدا میشود این فکر را خیال میکنند فکر صحیحی است در صورتیکه تمام افراد بشر ممکن است اشتباه بکنند بنده میخواستم متعاقب بیانات ایشان ادله اقامه بکنم که این ادله در صورت مجلس مضبوط است و اینجا گفته شده و بنده ناچارم جواب بدهم اما این اصل مسلم است که بعضی از افراد يك فکری برایشان پیدا میشود و خیال میکنند فکر صحیحی است هیچک از این حرفها گفتند در مجلس شورای ملی پسندیده نیست و حالا هم برای امتثال امر جناب آقای نایب رئیس اگر ایشان باز وارد شدند بمطالع منم وارد میشود علت اینکه کسروی با دیگران کشته شدند يك يك را بیرون می آوردم و مطابق بیانات ایشان ادله اقامه میکنم که این ادله ادله محکمه است که توی صندوق نسوزم مجلس مضبوط است و این جامع محفوظ بنده است . اگر با آنها مراجعه شود هیچک از این حرفها گفتند در مجلس شورای ملی پسندیده نیست حالا هم برای امتثال امر جناب آقای نایب رئیس مرضی نمیکند اما اگر ایشان وارد شدند بنده هم باز دومیته می آیم صحبت میکنم .

نایب رئیس - آقای خلعت بری بفرمایند

ارسلان خلعت بری - عرض بنده امروز راجع بمسئله امنیت در مناطق کشاورزی و شهرستانهاست که مورد علاقه و توجه نمایندگان مجلس و دولت هم هست وغالب این حرفها مطالبی است که باید گفته بشود مخصوصاً آقای وزیر کشور هم تشریف دارند و از آقای ذوالفقاری هم خواهش میکنم که بر رئیس دولت بفرمایند عرض کنم اخباری که در ایندت آقایان میخوانند که در زمانه ده نفر رفته با اسلحه و قصد کشتن داشتند صاحبخانه دفاع کرد والله العلی الاعلی میکشیم (بزرگ ابراهیمی - باو که معتقد نبود) اینها توی صورت مجلس هست من میخواهم بگویم این حقایق ، این اسناد ، آن ادله ای که بر خلاف علم و شرع و مذهب جعفری و دین مقدس اسلام عمل شده ، روی استعاره که فلان آدم نوکر استعمار است اینها چیست ؟ این حرفها نیست اینها دلیل بر بی سوادی است اینها دلیل بر عدم اتکالی بایمان حقیقی است آقایان این حرفها را میزنند و منم بحکم وظیفه الزام دارم جواب بدهم

نایب رئیس - وقت شما تمام شد آقای شوشتری

شوشتری - يك ربع دیگر من اجازه میخواهم

نایب رئیس - تأمل کنید عده کانی شود ، آقای شوشتری خواهش میکنم بگذارید برای بعد

شوشتری - من چون آقای حائری زاده را دارای سوغیت نیدانم اما این مسلم است که بعضی از افراد يك فکری مردم ولایات پای بیاده می آیند بظهران



بیشتر بواسطه ناامنی است، این ناامنی مربوط به دولت فعلی نیست برای مثال میگویم عرض کنم که مردم موزم آزادی دولت قوی بود معذرت در پشت همین طوطان چندین مرتبه شیبیده، بیست تا اتوموبیل لغت میگردند همینطور در زمان سیدزادهای من خود چندین مرتبه از وضع ناامنی ایران شکایت کردم ولی برای نمونه میگویم عرض کنم علت اینستکه دولت برنامه ای برای امنیت ندارد و اگر یک برنامه صحیحی برقرار میشود برای مثال میگویم عرض کنم آقای سرتیب سفاری تشریف نداشتند در لاهیجان گیلان آنجا منطقه شرارت و منطقه گاو دزدی و منطقه سرقت است و شما تاثیر یک میگویم اینکه سرقت در آن منطقه بکلی از بین رفته در نتیجه همکاری فرماندار و ژاندارمری و همکاری دادگستری در آن منطقه بوده است مخصوصاً در اثر جدیت رئیس ژاندارمری که او را نیشناسم یک منطقه ای که صد سال مرکز گاو دزدی و دوطوری شده که بشهادت آقای صفاری یک گاو دزدی نشده (اگیر - در فمات هم همینطور است) ایشان میفرمایند که در فمات هم همینطور است، بنا بر این اگر برنامه صحیح باشد امید هست در آما، مازندران، در آنجا هم همکاری بین دادگستری و ژاندارمری هست و تخفیف کار دیده شده است ولی اگر منطقه آنقدر قوی نیست برای اینکه برنامه امنیت مشترک صحیحی نیست، بنده جهش را عرض میکنم آقایان همه بیاد دارند اولین کار مهمی که بحساب اعلیحضرت فقید گذاشته می شود اولین پایه شروع اصلاحات در مملکت در زمان شاه فقید مسأله استعفاء امنیت است و چیزی بود که تمام مردم برای آن اهمیت قائل بودند و بان علاقمند بودند و حالاً برایش خدا بیامری میفرستند، اگر این امنیت در مملکت برقرار باشد این بنفم دولت است بنفم تاجراست بنفم زارع است بنفم مردم است. متأسفانه الان این برنامه وجود ندارد. حسن نیت هست قصد هست اما برنامه وجود ندارد، در زمان شاه فقید بنده و کبیل دادگستری بودم، یاد هست جناب آقای عبیدی و جناب آقای نقابت هم باید بیاد داشته باشند اگر در یک نقطه ای ایران یک زنی تلگراف میگرد و شکایتی داشت، داود وزیر عدلیه از اینجا بلند میشد میرفت آنجانی نشست در خانه آن زن و خودش رسیدگی میکرد و آنجا مأمورین خاطی را مجازات میکرد. اگر یک کسی شکایت میکرد که یک من تر یک توی خانه من ریخته اند برای دوسه سازی، خودش بلند میشد میرفت خراسان (یکی از نمایندگان مثل دادگستری حالا) رسیدگی میکرد و همانجا جزای خطا کار را بدستش میداد، شدیدترین عمل را می کرد و به بازرس و دایر و دادستان (سلطان را بختیار - حالا اگر دادستان وظیفه اش را انجام

مذاکرات مجلس شورای ملی

نتیجه اش این می شود که فوری احضارش می کنند.) و بعد از آنکه که کوچکترین ارفاقی میکرد مخصوصاً باشخاصی که نظم و امنیت عمومی را بهم می زدند، ابقا نمیکرد نتیجه اش این بود که زارع و کشاورز و ملاک همه بکار افتادند و یک برنامه تولیدی شروع شد و الا اعلیحضرت فقید که خودش نعمت کار بکنند، یک برنامه صحیح درست کردند همه نتایج خوب گرفتند حالا بنده اطلاع دارم دو ماه پیش یک زارعی ه تا گاو ش را دزدیده بودند، فرمانداری اقدام کرد، بخشداری اقدام کرد، ژاندارمری اقدام کرد، اما آقای مستظرف صاحب کار را آنجانی را که آمده بودند شکایت کنند بیست روز گاو دزدی و منطقه سرقت است و شما تاثیر یک میگویم اینکه سرقت در آن منطقه بکلی از بین رفته در نتیجه همکاری فرماندار و ژاندارمری و همکاری دادگستری در آن منطقه بوده است مخصوصاً در اثر جدیت رئیس ژاندارمری که او را نیشناسم یک منطقه ای که صد سال مرکز گاو دزدی و دوطوری شده که بشهادت آقای صفاری یک گاو دزدی نشده (اگیر - در فمات هم همینطور است) ایشان میفرمایند که در فمات هم همینطور است، بنا بر این اگر برنامه صحیح باشد امید هست در آما، مازندران، در آنجا هم همکاری بین دادگستری و ژاندارمری هست و تخفیف کار دیده شده است ولی اگر منطقه آنقدر قوی نیست برای اینکه برنامه امنیت مشترک صحیحی نیست، بنده جهش را عرض میکنم آقایان همه بیاد دارند اولین کار مهمی که بحساب اعلیحضرت فقید گذاشته می شود اولین پایه شروع اصلاحات در مملکت در زمان شاه فقید مسأله استعفاء امنیت است و چیزی بود که تمام مردم برای آن اهمیت قائل بودند و بان علاقمند بودند و حالاً برایش خدا بیامری میفرستند، اگر این امنیت در مملکت برقرار باشد این بنفم دولت است بنفم تاجراست بنفم زارع است بنفم مردم است. متأسفانه الان این برنامه وجود ندارد. حسن نیت هست قصد هست اما برنامه وجود ندارد، در زمان شاه فقید بنده و کبیل دادگستری بودم، یاد هست جناب آقای عبیدی و جناب آقای نقابت هم باید بیاد داشته باشند اگر در یک نقطه ای ایران یک زنی تلگراف میگرد و شکایتی داشت، داود وزیر عدلیه از اینجا بلند میشد میرفت آنجانی نشست در خانه آن زن و خودش رسیدگی میکرد و آنجا مأمورین خاطی را مجازات میکرد. اگر یک کسی شکایت میکرد که یک من تر یک توی خانه من ریخته اند برای دوسه سازی، خودش بلند میشد میرفت خراسان (یکی از نمایندگان مثل دادگستری حالا) رسیدگی میکرد و همانجا جزای خطا کار را بدستش میداد، شدیدترین عمل را می کرد و به بازرس و دایر و دادستان (سلطان را بختیار - حالا اگر دادستان وظیفه اش را انجام

کرد که آقا من از خانه ام آمدم بیرون، یک کسی آمده در خانه مرا تیفه کرده دیگر راه ندارم بروم آنجا و میکوبند و متصرف است و توحق نداری، من وسط بیابان ماندم، بدادم برسد، چون کسی را ندارم که بدادم برسد اینستکه با رئیس کانون و کلانلگراف میکنم که بلکه بدادم برسد، به بنید آقا چه اندازه رویه همکاری بین دستگاههای دولتی نیست که از کرمان تلگراف میکنند اینجا بر رئیس کانون و کلان (شوشتری) - حالا شما بدادش رسیدید یا نه؟ حالا عرض میکنم من شنیدم در قسمت عمده مناطق گیلان مازندران امنیت برقرار شد، مأمورین وزارت کشور بسیار خوب عمل کرده اند، ولی برای خطا کار باید یک کاری کرد که مرا فرار نباشد مجازات شود، مجازاتش هم باید سخت باشد. بنده وقتی استاندار گیلان بودم، گزارشهایی بدولت دادم که مناطق کشاورزی با مناطق شهری فرق دارد. در مناطق کشاورزی باید یک قوانین و مقررات دیگری اجرا کرد، برای آنکه آن کسی که میآید خانه را آتش میزند، اگر او را برنده عدلیه و بعد مرخص کردند آنوقت دیگران تشویق میشوند که خانه آتش بزنند، آنجا که وسیله آتش نشانی نیست در ولایات، اما اگر شدت عمل بود که دزد و سارق را فوراً گرفتند و فوراً مجازات کردند، تاثیر میکند در همین لاهیجان برای اینکه ۲۰ نفر یا ۳۰ نفر سارق را گرفتند و چند ماه توقیف کردند آن نتیجه حاصل شد نتیجه ای که من میتوانم بگیرم اینستکه آقایان قانون سروس و بلزیک و قانون اروپا که برای آنجائی نوشته شده که قریب دویست سال از ما جلو هستند ...

جلسه ۲۰۴

شکایت که میآید، خودشان میرفتند وقتی وزیر میرفت به یک منطقه ای در آن منطقه فرماندار و استاندار و دادستان و دادرس و هم حساب کار خودشان را میکردند، چون هیچکس در این مملکت جرأت تخلف ندارد، دلش را ندارد، فقط اطمینانش اینستکه مجازات نمیشود، در مجازات تأخیر میشود، تأخیر میافتد و کومک میشود برای اینکه از جنگال قانون فرار کند. اگر یک برنامه امنیت مشترک داشتند و همه بیکه شکایت کردند وزیر بلند شد رفت، استاندار بلند شد رفت، فرماندار را شواست، قاضی را خواست، محکم انتظامی سیار بور، هیات بازرس سیار بود، دیگر کسی جرأت نمیکند، اما چون برنامه همکاری نیست و دستگاههای دولتی رسیدگی باین کارها را بوسله کاغذ بهم احاله میدهند، اینستکه این سبب تجری و حسارت و اطمینان متخلفین و سارقین و اشراش میشود. دوم من با نهایت جرأت عرض میکنم، من خودم مختصری اطلاعات حقوقی دارم، شما قانون مجاکمات سویس را یاد انمارک را اینجا، ۵۰ سال است که عمل میکنید و میبینید که بدتر شده است چرا؟ برای اینکه آن قانون برای اینجا نیست. چرا؟ برای اینکه آقای سرشار رفیق من گفت در انمارک بودم در بابتهش، در نمازهای مقداری جنس خریدم وقتی که آوردم بیرون ظهر شد، تعطیل شد، بصاحب مغازه گفتم اجازه بدهید این اجناس را توی مغازه بگذارم، گفت، هیچ احتیاج ندارید، کنار خیابان بگذارید هیچکس دست نمیزند ...

نایب رئیس - چون سه دقیقه وقت خودتان را داده اید و وقتان تمام شده است ...

نایب رئیس - آقا تأمل کنید عده کافی نیست (یس از چند لحظه عده کافی شد) بفرمائید ...

نایب رئیس - آقا تأمل کنید عده کافی نیست (یس از چند لحظه عده کافی شد) بفرمائید ...

نایب رئیس - آقا تأمل کنید عده کافی نیست (یس از چند لحظه عده کافی شد) بفرمائید ...

مذاکرات مجلس شورای ملی

برساند بنده خودم آن قانون امنیت اجتماعی را که آوردم توجه بشوم و در کمیسیون در آنجا این مسأله توقیف برداشته شد که همین برداشته شدن مسأله توقیف بعد از اشراش و سارقین مجال ارتکاب جنایت میدهد، بنده بهم خود عقیده دارم که اشتباه کرده اند و حالا باید از وجود قانون امنیت اجتماعی و بایک وسیله دیگری استفاده کنیم یاد یک منطقه کشاورزی با زیرس استقلال بدهید که مستقلاً عمل کند، بایک هیاتی درست کنید تحت نظر استاندار بنابراین هر یک از این شقوقی که بنظرتان میرسد مطالعه کنید که یک نفر دزد و شریر و خطاکار و سارق در همان محل خودش بسرعت معاکسه شود و مجازات شود (شوشتری) - قانون تشدید مجازات اگر رعایت شده بود اینطور نمیشد) آن قانون و این قانون امنیت اجتماعی را مخلوط کنید یک قانونی وضع کنید که این قانون را استاندارها اجرا کنند وزارت کشور اجرا کند. بقرینه من باید در ولایات مسأله امنیت را از دادگستری گرفت باید از بازرس و دادستان گرفت و داد استانداری ولی در مورد تجاوزات به کشاورزان نه در موضوع کلابرداری در موضوع سرقت خانه ها، آتش زدن خرمن، آتش زدن محصول از بین بردن و غارت محصول از این قبیل را جناب آقای وزیر کشور توجه بفرمائید و این امنیت برقرار نخواهد شد (صحیح است) و این مرض ناامنی یک مرض مزمنی برای مملکت میشود و بیهیزید از اینکه ناامنی یک مرض مزمنی بشود. مسأله دوم یک همکاری دادگستری و ژاندارمری با شهر بانی باید باشد در لاهیجان و آمل این همکاری هست دزدی از بین رفته، در سایر جاهای این همکاری نیست دزدی بیشتر میشود بنابراین وزارت کشور باید این برنامه را تعقیب کند و اساسی وزارت دادگستری است و وزارت دادگستری شما اگر به همین رویه پیش برود، موجب سلب امنیت از کشور خواهد شد و اگر وزارت دادگستری مثل زمان اعلیحضرت وقت بود، با سرعت عمل کند فوراً رسیدگی کند و نسبت به هر کاری فوراً خاصی را در ظرف چند روز مجازات نماید، آقا در زمان شاه فقید از زمان شکایت تا زمان رسیدگی در مسائل سرقت و شرارت دو سه روز بیشتر طول نمیکشد و حالا که حقوق قضات را دو برابر کرده اند پس بطریق اولی باید بهتر عمل کنند (بزرگ سرتیب - کردیم، بفرمائید اگر دادگستری باید رویه اش را عوض کند اینست که الان در شهرها اجرا میشود، این قوانین در نقاط کشاورزی ایران قابل اجرا نیست. جناب آقای وزیر کشور بیرون رویه یک کاغذی داشتیم که در یک دهی عرض میکنم ۱۳ بار دزدی گاو شده، و حال آنکه ۱۵ خانوار بیشتر ندارد ولی مردمش جرأت نمیکند شکایت کنند، برای اینکه از نتیجه اطمینان ندارند. بنا بر این نظر بنده باید یک تجدید نظری از لحاظ قانون شود وزارت کشور آن قانونی که واقعا بصالح است بیورد و بصوب مجلس

که شکایت کنند خودش باید بعنوان مدعی یا شود برود رسیدگی کند اگر این برنامه همکاری را اجرا کنید بنظر من هر قانونی را که بیارید مجلس شورای ملی برای استقرار امنیت موافق است (صحیح است) باید موافقت بفرمائید که این اصلاح شود و الا این قوانین برای استقرار امنیت کافی نیست بنده سه دقیقه اساساً این قوانین برای مملکت ما زیاد است و اغلب هم متناقض است) نایب رئیس - آقای دولت آبادی دولت آبادی - بنده سه مطلب آرزو داشتم که لازم بود امروز بناسبت ۱۰ بهمن صحبت شده باشد البته آنچه لازم بود ذکر و صحبت از طرف مجلس شورای ملی و سیاستگزاری از فضا بر املی بود مقام ریاست بیان فرمودند ولی خواستم بگویم که راستی روز ۱۰ بهمن ۲۷ که بنده خود شاهد این منظره رفتم بار بودم بناسبت خدمتی که آنوقت داشتم بیک روزی بود که خداوند تبارک و تعالی ایران را بصورت معجزه بزرگی از خطری که همه جور نقشه های اطرافش کشیده شده بود نجات داد ولی باید باین نکته توجه داشت که چرا قاصدجان شاه را گردن سیاستهای شومی در کین ما بود و هنوز هم ملت ایران باید بیدار باشد و باتدبیر بنا آن مبارزه کند علت این بود که فقط وجود شاه شیرازه حیات هستی ما بود (صحیح است) و هست. در مملکتی که چندین هزار سال تاریخ سلطنت دارد در تمام موارد گردن جمع وجود شاه جمع شده اند بچشم تاریخ خواستند این شیرازه را بکنند و خدا نخواست این حقیقت قضیه بود والا هوسای نبود، میخواستند باین رویه شوم خودشان هستی و حیات ما را از بین ببرند و چنانچه این مملکت همیشه مورد لطف خداوند بوده است خدا نخواست و مملکت ما را نگهداشت، پس موهبت الهی بوده است و خدا نخواست است امیدوارم که نژاد ایرانی آن مقدار لیاقت داشته باشد که همیشه بتواند از مواهب الهی استفاده کند و خودش را هم لایق خدمت و مملکت داری بداند انشاء الله، اما مطلب دیگری که آقای حائری زاده راجع بان انتخابات دوره شانزدهم گفتند که اشتباهاً ۱ گفتند این را هم میل داشتم که یک وقتی مجالی پیش بیاید که از پشت تریبون این مجلس بگویم در اینجا علاوه بر ضبط در صورت جلسات که شالوده اساسی تاریخ این مملکت ریخته میشود آنچه راجع بان انتخابات بیان فرمودند صحیح نبود زیرا اعمالی میکردند و شخصی متصدی امر بود که کار انتخابات را با آنجا کشاند و چون دستش هم از دنیا کوتاه شده بنده زبان بلامت نمیکشایم ولی واقعه خطرناکی بود و گذشت، اما میگویم این را بگویم که در همان دوره که بعد عنان کار بدست آقایان مدعی خیر خواهی و آزادی خواهی افتاد، در همین شهر

تهران مردم تهران نه زیر آزاره می شناختند و نه حسین فاطمی می شناختند صد هزار رأی از صندوق در آوردند شرم آور نیست من دیگر عرضی ندارم (احسن - احسن) طرح گزارش کمیسیون بودجه راجع باضافه اعتبار وزارت کشاورزی جهت دفع آفات نایب رئیس - لایحه دفع آفات مطرح است آقای ارباب مهدی مخالف ام نوشته اند یکی از نمایندگان لایحه دوفوری است دوفوریت مطرح است نایب رئیس - طبع و توزیع شده، ارباب - اولاً با خود ملخ مخالف بودن عیبی ندارد، یعنی من با خود ملخ که موافق نیستم با طرز دفع ملخ هم در گذشته مخالف هستم، البته این موضوعی که بنده عرض میکنم ارتباطی با عمل دولت حاضر ندارد. دولت حاضر هنوز وارد عمل دفع ملخ نشده ولی عمل دولت گذشته در دوره ای که خود بنده وارد عملشان بودم این بود که اول پوره ملخ راه میافتاد و مردم فریادشان بلند میشد تلگراف میکردند استدعا میکردند تقاضا میکردند، این پوره ها یواش یواش بزرگ میشدند چاق و چله میشدند و قدرت پیدا میکردند، بعد از اینکه همه محصول و سر درختی را میخوردند آنوقت سرور که چهارتا مهندس پیدا میشد و تازه سم نداشت، بعد کافی مردم خودشان همکاری میکردند و تقاضا داشتند که آقا سموم بیاورید ما خودمان فعالیت میکنیم آن سموم را هم نمیرسانند هر کجا خود مردم جانفشانی میکردند فعالیت میکردند که شهد الله یکی از آن نقاط میناب و اطراف میناب بود چند نفر از مانکنین آنجا مردمانی هستند که فوق العاده به خیر عموم جانفشانی میکنند اینها خودشان مثل یک کارگر فعالیت میکردند، آنجا ما از وزارت کشاورزی تقاضا میکردیم اینها را حواله میدادند بنده لشکر کرمان عده لشکر کرمان هم تا دوره شانزدهم گفتند که اشتباهاً ۱ گفتند این را هم میل داشتم که یک وقتی مجالی پیش بیاید که از پشت تریبون این مجلس بگویم در اینجا علاوه بر ضبط در صورت جلسات که شالوده اساسی تاریخ این مملکت ریخته میشود آنچه راجع بان انتخابات بیان فرمودند صحیح نبود زیرا اعمالی میکردند و شخصی متصدی امر بود که کار انتخابات را با آنجا کشاند و چون دستش هم از دنیا کوتاه شده بنده زبان بلامت نمیکشایم ولی واقعه خطرناکی بود و گذشت، اما میگویم این را بگویم که در همان دوره که بعد عنان کار بدست آقایان مدعی خیر خواهی و آزادی خواهی افتاد، در همین شهر

نداشتند هیچ نتیجه گرفته نمیشد مگر اینکه بودجه ای هم در این بین مصرف میشد و تلف میشد که حالا در جزئیات بعضی سوء استفاده های گذشته بنده نمی خواهم اینجا توضیح عرض کنم اما باقی مانده اش بود که بصرف دفع آفات نباتی و حیوانی میرسد، این را بنده استدعا دارم که هر چه هست ولو کم بطور تناسب بهمه جای کشور از لحاظ الامم فلاحه تقسیم کنند که مردم همه جا راضی باشند و یک تذکری بود که تحت عنوان مخالف با ملخ اینجا عرض کردم بیشتر هم توضیح نمیدم و امیدوارم که دولت فعلی توجه کامل خواهد کرد و از جناب آقای معاون معتز وزارت کشاورزی هم بنده متشکرم که بعد از دو سال روضه خواندن و کسی گریه نکردن اخیراً توجه به میناب کرده اند و مشغول دفع آفات نباتی شده اند و بنده اینجا تشکر میکنم از ایشان.



زیادی از این دستگاهها منتهی ظهور رسیده نه اینستکه میخواهم بگویم هیچ کاری نشده، فخر کار شده اما متناسب با تشکیلات نبود است، این فکر در کشور من برای بعضی از آقایان رسیده که این دستگاهها یعنی دامپزشکی و دامپروزی در یکدیگر ادغام شود که همان دستگاهی که کارهای دامپروزی را انجام می دهد کارهای دامپزشکی را هم در اختیار داشته باشد که از این لحاظ بتوانند عملیات دامپروزی و دامپزشکی را تماماً انجام بدهند، من این نکته را هم باید تذکر بدهم که در سال گذشته وسایل سمیاشی در فارس بود ولی گرد (دست) نداشتند و در سال جاری گرد (دست) ندارند، بسیار بجای بود که وزارت کشاورزی با حسن نیتی که بنده در جناب آقای مهندس زاهدی معاون محترم وزارت کشاورزی و آقای مهندس طالقانی وزیر محترم این وزارتخانه سراغ دارم راجع به تهیه گرد (دست) زودتر اقدام بکنند، زیرا یک نفر زارع منتهی عملی که میتواند بکند اینستکه زراعتی بوجود بیاورد ولی دفع آفات کاردوست است و از حدود توانائی شخص خارج است که بتواند آفات را دفع کند یا دفع کننده این کار دولت و خزانه مملکت است که آفات را مرتفع سازد تا کشاورز بتواند از دسترنج خود حداکثر استفاده را بنماید.

**نایب رئیس** - پیشنهاد سکوت رسید است قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد) اینجناب پیشنهاد میکند که لایحه سکوت بماند.

**نایب رئیس** - آقای صادق بوشهری

**صادق بوشهری** - بنده پیشنهاد سکوتی که دادم از نقطه نظر آن نبود که باین لایحه مخالفت کنم بلکه بر عکس چون مملکت ما یک مملکت زراعتی است عقیده مندم که ما هر چه در راه زراعت خودمان خرج کنیم باز هم کم کردیم بر عکس عقیده جناب آقای داراب همکار محترم که همیشه از صنعتی بودن مملکت حمایت میکنند البته بنده با آنهم مخالف نیستم باید در قسمت صنعت هم پیشرفتهائی بکنیم ولی امر کشاورزی ما مقدم بر صنعت است و عقیده من اگر ما بخواهیم دوامتوانه با یکدست برداریم هر دو بزمن میافتد و می شکند و نتیجه ای عاید نمیشود عقیده من اینستکه زراعت خودمان را تقویت کنیم نتیجه بگیریم بعد دنبال صنعت برویم چند روز قبل یکی از آقایان نمایندگان محترم سؤالی از وزارت کشاورزی کرده بود که جناب آقای زاهدی معاون وزارت کشاورزی تشریف آوردند اینجا جواب دادند ایشان

فرمودند متأسفانه بودجه وزارت کشاورزی بیش از سه درصد کل بودجه مملکتی نیست و از این سه درصد هشتاد درصد آن صرف مخارج پرسنل میشود و بیست درصد باقی مانده هم ببقیه ایشان بیست درصد خرج پیشرفت و ترویج زراعت میشود که بقیه بنده این بیست درصد هم تقریباً میشود (صحیح است) بنده نمیتوانستم بفهمم بودجه ای که برای وزارت کشاورزی تنظیم کرده اند با اینکه جناب آقای مهندس زاهدی خودشان معتقدند که بودجه وزارت کشاورزی خیلی ناچیز است و بیش از سه درصد بودجه مملکتی نیست این بودجه را که مجلس شورای ملی با آقایان نمایندگان وزارت کشاورزی تصویب نکردند این بودجه تحت نظر خود ایشان تهیه شده است و قتیکه ایشان میدانند مملکتی که بودجه عادی آن بیش از یک ثلث کسر دارد وقتی که یک چنین بودجه ناچیزی هم برای وزارت کشاورزی معین میشود وقتی که بودجه پرسنلی آنرا خودشان تقویم میکنند البته هیچ لزومی ندارد مثلاً یک اتومبیل کادیلک برای جناب آقای معاون ویلاری جناب آقای وزیر که از منزل تشریف می آورند با اداره یابگر گردن اختصاص داده شود در مجلس شورای ملی ۳۶ نفر نماینده است تمام این اداره مجلس دارای یک اتومبیل است آنهم منحصر است ب مقام ریاست بنده هار نمایانم از منزل که می آیم بیرون یک تومان بدهم تا کسی سوار شود و خود را ب مجلس برسانم و از اینجا هم یک تومان بدهم بروم منزل با اگر منزل بنده در خط سیر یکی از خطوط اتوبوسرانی باشد با در قران اینکار را انجام بدهم و اگر جیب اجازه داد بودجه ام کافی بود یک وسیله ای تهیه کنم ولی متأسفانه در وزارتخانه های ما اگر مثلاً فرض کنیم باقی مهندس زاهدی گفته شود که مقصود تهیه وسیله نقلیه است همان عملیاً که اتومبیل کادیلک می کنند همان عمل را ممکن است یک اتومبیل فولکس واگن بکنند یعنی شما از امروز بخرید باین اتومبیل کادیلک را بگذارید کنار یک فولکس واگن استفاده بکنید ایشان شاید بزرگترین توهین را نسبت بخودشان تلقی کنند که چرا یک همچو پیشنهادی شده است آقای مهندس زاهدی افتخار بسوار شدن اتومبیل نیست شما اگر امروز که از اینجا تشریف برید شوفر تان را مخصر کردید و عقیده من این است که با بخواهیم هزار تومانی که پول این اتومبیل شده آنرا ببرند و بجایش سم بخرند برای محافظت زراعت یک ترازو بدبخت بیچاره که یکسال صدمه میکشد برای اینکه یک لقمه زن برای خود و خانواده اش تهیه بکند که آخر سال آفت نباید تمام محصول او را از بین ببرد و از گرسنگی از بین برود اگر اینکار را بکنید میتواند بخودتان افتخار کنید و مملکت هم بوجود شما افتخار

میکند والا با اتومبیل سوار شدن و از منزل بوزارتخانه رفتن یا از وزارتخانه بمنزل نمی توانید برای خودتان افتخاری تهیه کنید یا خرج کردن در اروپا برای مطالعه و شرکت در کنفرانسها و خرج سفر و فوق العاده گرفتن تصور نفرمائید بنده باینکار مخالفم رفتن به اروپا برای مطالعه و شرکت در کنفرانسها صحیح است ولی بشرط اینکه وقتی برمیگردید دست خالی برنگردید و اگرمانی برای مملکت بدبخت خودتان بیاورید ولی متأسفانه تا حالا اینطور بوده همه کردش بوده و گذرانندن در نقاط خوش آب و هوا

**نایب رئیس** - آقای بوشهری در موضوع پیشنهاد سکوت بفرمائید

**بوشهری** - بنده مقدمه ای عرض کردم که نتیجه بگیرم یک مثلی میخواهم برای طرز عمل وزارت کشاورزی و اولیاء امور بعضی آقایان برسانم شش ماه پیش بنده برای گردش بمنزله ندران رفته کنار دریا چادر زدم رهاهای آنجا چون شنیدند که نماینده مجلس آمده است آمدند بنده شکایت کردند بنده هم چون دیده بودم که جناب آقای خلعتبری راجع بافت مرکبات شمال صحبت فرمودند حتی بیوه های فاسد شده را آوردند اینجنابان دادند حالا نمایانم نتیجه ای گرفتند یا خیر (خلعتبری - فایده ای نداشت) در هر صورت آمدند این رهاها شکایت کردند که وزارت کشاورزی در تمام استانها و شهرستانها باغات نمونه بزرگی تاسیس شد برای اینکه بزراعت کمک بکنند برای اینکه بذر برای رهاها تهیه بکنند برای اینکه نهال تهیه کنند و مدتی هم روی آن عمل میشد ولی حالا باستی دید این موسسات کشاورزی چرا باید وضعیشان اینطور باشد بنده سایر استانها را اطلاع ندارم ولی در قسمت خوزستان با اهواز با آن زمین های فراوانیکه در اختیار دارند با آن آب زیادی که موجود است عوض اینکه کار کنند استفاده نمایند زمینها را بزراعتی اجازه میدهند آب بهشان می فروشد بعد از آنها بهره مالکانه بگیرند اینکار راهم افراد عادی هم میتوانند بکنند یک شیخ عرب تلمبه میگذازد کنار رود کارون و زراعت میکند خودش هم مباشرت میکند محصول را بر میدارد متأسفانه این اندازه هم وزارت کشاورزی عمل نمیکند اجازه می دهد حق مالکیت بگیرد بنده عرض کردم مخالفت با این لایحه ندارم عقیده ام اینستکه هر چه بوزارت کشاورزی کمک کنیم کم کردیم همانطور که تا بحال مرتبه بهشان تذکر دادم هر دفعه هم که بهشان تذکر دادم چون ایشان مرد عمل هستند کتابچه یادداشت خودشان را بیرون آوردند یادداشت کردند که دستور بدهند ولی متأسفانه بنده چندی قبل اینجناب آقای ناصر ذوالفقاری نشسته بودیم که کردم که

یک چنین کار خوب را بنده از آقای مهندس زاهدی خواستم و ایشان انجام ندادند باز کتابچه یادداشت بیرون آمد یادداشت شد بنده که در خدمت میدانی ایشان چه گفته بودند؟ فرمودند که این آقای دوتا ده درماز ندران دارنم شب و روز مرا یکی کرده اند که من آنها را سم پاشی کنم و الا بنده خلاف شرعی گمان نمیکنم کرده باشم و وجود وزارت کشاورزی وجود آقای مهندس زاهدی و امثال ایشان در آنجا برای این کار است که اگر آفتی آمد باید دفع بشود حالا اگر مال زارع است مال و گیل است مال مالک است هر کس باشد باید دفع بشود در تانی آقای مهندس زاهدی من در مازندران ملکی ندارم مالک این دو تاملک اعلیحضرت همایونی است رعایا آمدند بن شکایت کردند من هم این اقدام را کردم شما هم تقصیر ندارید برای اینکه نمیتوانید تصور بفرمائید یک کسی در یک قضیه ای ذنبش نباشد و در آنکار عمل کند خوب این فکری است ولی مطمئن باشید که بنده اگر از گرسنگی بمرم و تمام املاک مرا هم آفت از بین ببرد شما هیچ متوسل نمیشوم که بیاید آفت را از بین ببرد در صورتیکه این وظیفه شما است چون هزار گوشت شکار یک افاده تازی نمی آرد (مکرم - آقای مهندس زاهدی مرد شرافتمندی هستند) من در شرافت ایشان تردیدی ندارم در زمان اعلیحضرت فقید که در ایران تحولاتی پیدا شد در قسمت کشاورزی هم تحولات بزرگی شد در تمام استانها و شهرستانها باغات نمونه بزرگی تاسیس شد برای اینکه بزراعتی کمک بکنند برای اینکه بذر برای رهاها تهیه بکنند برای اینکه نهال تهیه کنند و مدتی هم روی آن عمل میشد ولی حالا باستی دید این موسسات کشاورزی چرا باید

وضعیشان اینطور باشد بنده سایر استانها را اطلاع ندارم ولی در قسمت خوزستان با اهواز با آن زمین های فراوانیکه در اختیار دارند با آن آب زیادی که موجود است عوض اینکه کار کنند استفاده نمایند زمینها را بزراعتی اجازه میدهند آب بهشان می فروشد بعد از آنها بهره مالکانه بگیرند اینکار راهم افراد عادی هم میتوانند بکنند یک شیخ عرب تلمبه میگذازد کنار رود کارون و زراعت میکند خودش هم مباشرت میکند محصول را بر میدارد متأسفانه این اندازه هم وزارت کشاورزی عمل نمیکند اجازه می دهد حق مالکیت بگیرد بنده عرض کردم مخالفت با این لایحه ندارم عقیده ام اینستکه هر چه بوزارت کشاورزی کمک کنیم کم کردیم همانطور که تا بحال مرتبه بهشان تذکر دادم هر دفعه هم که بهشان تذکر دادم چون ایشان مرد عمل هستند کتابچه یادداشت خودشان را بیرون آوردند یادداشت کردند که دستور بدهند ولی متأسفانه بنده چندی قبل اینجناب آقای ناصر ذوالفقاری نشسته بودیم که کردم که

**معاون وزارت کشاورزی** (مهندس زاهدی) - بنده از اظهار لطف آقای بوشهری خیلی تشکر می کنم (احسن) ولی آقایان یک قضیه ای را متوجه نیستند اگر آقای بوشهری توجه میکردند بنده دفع آفات ملاحظه می فرمودند که دفع آفات باید بموقع خودش انجام بشود الا اگر بنده عده ای را بفرستم آنجا تا سال آینده در ابتدای حمله آفت اقدامی نمیتوان کرد الا هر کاری که بکنید بی فایده است (ارباب) - حالا وقت بندر عباس است حالا وقت میناب است و البته بطوری که آقایان استحضار دارند مالکین باید پول سم را بپردازند تا وزارت کشاورزی هم بتواند اقدام کند (بوشهری - حق و حساب از شان میخواهند) حق و حساب را چه عرض کنم بنده فرمایشات آقای ارباب را راجع بکار دفع ملخ تأیید می کنم (احسن) یعنی همیشه موقعی با اطلاع داده می شود که در عین آفت است وقت پیشرفت کرده آفت با اعتبار و پول کافی میرسد که اقدام کنیم به موقع وسایل و اعتبارات میرسد که قبل از آفت بددت با سایر مواد گرفته شود که موقع بددت دفع آفات کرد (حشمتی - وزیر تان گرفتنهای دیگری دارد که نمی تواند باین کار برسد) وزارت کشاورزی و باقی توجه آقایان محترم بامر کشاورزی و قوف کامل دارم میداند چه وظیفه سنگینی را بر عهده گرفته و مردم چه انتظاراتی از این دستگاه دارند و چگونه باید در اجرای منوب ملوکانه در پیشرفت و توسعه کشاورزی کشور تلاش و کوشش نمایند در این موقع که لایحه اصلاح بودجه وزارت کشاورزی مطرح است اجازه می خواهم مطالبی عرض رسانده و توجه آقایان را به توضیحات زیر جلب نمایم.

آقایان محترم استحضار دارند که امروز اقتصاد کشور ما بر بنیاد تولید و فعالیتهای کشاورزی قرار دارد و در درآمد عمومی مملکت در آمد کشاورزی بزرگترین رقم را تشکیل می دهد و در حدود ۸۰ درصد از جمعیت ایران از زراعت کشاورزی زندگی می نمایند بنابراین اصلاح و توسعه کشاورزی نه تنها کلیه اصلاحات اقتصادی است بلکه در افزایش سطح زندگی و تأمین آسایش

۱۶ میلیون نفر از مردم مملکت از مستقیم و فوری دارد و به همین دلیل است که وزارت کشاورزی توجه نمایندگان محترم را باین امر حیاتی یعنی تأمین احتیاجات کشاورزی کشور جلب می نماید.

حدا کثر بودجه وزارت کشاورزی در سالهای اخیر سال جاری بوده که مبلغی در حدود ۲۷۰ میلیون ریال میباشد که تقریباً ۲۱۰ میلیون ریال آن صرف هزینه های پرسنلی و اداری شده و تنها شش میلیون تومان آن برای هزینه های فنی می ماند چرا برای این که از این ۲۷۰ میلیون ریال که عرض کردم قریب ۲۰ میلیون تومان خرج پرسنلی و حقوق اشخاصی است که در وزارت کشاورزی مشغول خدمت هستند اگر میفرمائید که این آقایان مهندسی و دکتران دامپزشک را مخصر کنند بفرمائید و با ۶۰ میلیون تومان بقیه هیچ کاری نمیشود کرد (دکتر مشیر فاطمی - بیرون کنند؟) (بوشهری - بیرون نکنند آنطرف پول اضافه بخواهند) (حشمتی - بروند بیرون کار کنند) آقایان بهتر اطلاع دارند که در کار کشاورزی بر عکس صنعت و بازرگانی های دیگر هیچوقت زارعین و کشاورزان و موسسات خصوصی قادر بپرداخت هزینه های علمی و آزمایشی نیستند و این امر خطیر بررسی های علمی و کشاورزی را بعهده گرفته و نتایج آن را در دسترس کشاورزان مملکت بگذارند و بازرع می کنند در کشاورزی نمیتوان مثل بعضی رشته های دیگر نتیجه مطالعات و آزمایش آفت است وقت پیشرفت کرده آفت با اعتبار و پول کافی میرسد که اقدام کنیم به موقع وسایل و اعتبارات میرسد که قبل از آفت بددت با سایر مواد گرفته شود که موقع بددت دفع آفات کرد (حشمتی - وزیر تان گرفتنهای دیگری دارد که نمی تواند باین کار برسد) وزارت کشاورزی و باقی توجه آقایان محترم بامر کشاورزی و قوف کامل دارم میداند چه وظیفه سنگینی را بر عهده گرفته و مردم چه انتظاراتی از این دستگاه دارند و چگونه باید در اجرای منوب ملوکانه در پیشرفت و توسعه کشاورزی کشور تلاش و کوشش نمایند در این موقع که لایحه اصلاح بودجه وزارت کشاورزی مطرح است اجازه می خواهم مطالبی عرض رسانده و توجه آقایان را به توضیحات زیر جلب نمایم.

۱۶ میلیون نفر از مردم مملکت از مستقیم و فوری دارد و به همین دلیل است که وزارت کشاورزی توجه نمایندگان محترم را باین امر حیاتی یعنی تأمین احتیاجات کشاورزی کشور جلب می نماید.

حدا کثر بودجه وزارت کشاورزی در سالهای اخیر سال جاری بوده که مبلغی در حدود ۲۷۰ میلیون ریال میباشد که تقریباً ۲۱۰ میلیون ریال آن صرف هزینه های پرسنلی و اداری شده و تنها شش میلیون تومان آن برای هزینه های فنی می ماند چرا برای این که از این ۲۷۰ میلیون ریال که عرض کردم قریب ۲۰ میلیون تومان خرج پرسنلی و حقوق اشخاصی است که در وزارت کشاورزی مشغول خدمت هستند اگر میفرمائید که این آقایان مهندسی و دکتران دامپزشک را مخصر کنند بفرمائید و با ۶۰ میلیون تومان بقیه هیچ کاری نمیشود کرد (دکتر مشیر فاطمی - بیرون کنند؟) (بوشهری - بیرون نکنند آنطرف پول اضافه بخواهند) (حشمتی - بروند بیرون کار کنند) آقایان بهتر اطلاع دارند که در کار کشاورزی بر عکس صنعت و بازرگانی های دیگر هیچوقت زارعین و کشاورزان و موسسات خصوصی قادر بپرداخت هزینه های علمی و آزمایشی نیستند و این امر خطیر بررسی های علمی و کشاورزی را بعهده گرفته و نتایج آن را در دسترس کشاورزان مملکت بگذارند و بازرع می کنند در کشاورزی نمیتوان مثل بعضی رشته های دیگر نتیجه مطالعات و آزمایش آفت است وقت پیشرفت کرده آفت با اعتبار و پول کافی میرسد که اقدام کنیم به موقع وسایل و اعتبارات میرسد که قبل از آفت بددت با سایر مواد گرفته شود که موقع بددت دفع آفات کرد (حشمتی - وزیر تان گرفتنهای دیگری دارد که نمی تواند باین کار برسد) وزارت کشاورزی و باقی توجه آقایان محترم بامر کشاورزی و قوف کامل دارم میداند چه وظیفه سنگینی را بر عهده گرفته و مردم چه انتظاراتی از این دستگاه دارند و چگونه باید در اجرای منوب ملوکانه در پیشرفت و توسعه کشاورزی کشور تلاش و کوشش نمایند در این موقع که لایحه اصلاح بودجه وزارت کشاورزی مطرح است اجازه می خواهم مطالبی عرض رسانده و توجه آقایان را به توضیحات زیر جلب نمایم.

آقایان محترم استحضار دارند که امروز اقتصاد کشور ما بر بنیاد تولید و فعالیتهای کشاورزی قرار دارد و در درآمد عمومی مملکت در آمد کشاورزی بزرگترین رقم را تشکیل می دهد و در حدود ۸۰ درصد از جمعیت ایران از زراعت کشاورزی زندگی می نمایند بنابراین اصلاح و توسعه کشاورزی نه تنها کلیه اصلاحات اقتصادی است بلکه در افزایش سطح زندگی و تأمین آسایش

یکدیگر بوده و با ترکیب صحیح آنها میتوان این دستگاه را تکمیل داد. موضوعاً عرض میکنم که ضرر کمی بودجه وزارت کشاورزی تنها معادل خود آن مبلغ نیست بلکه این کسر بودجه موجب خواهد شد که کار اعتبارات عمرانی و کمکهای فنی نتوانیم حد اکثر استفاده را بکنیم تا آنجا که اطلاع در دست است نسبت بودجه کشاورزی بعضی ممالک را به نسبت بودجه عمومی کل برض آقایان میرسانم.

امریکا از بودجه فدرال ۳۶ درصد که با سایر بودجه ها بالغ بر ۷ درصد میگردد.

ترکیه متجاوزاً ۳۳ درصد - پاکستان ۱۷ درصد

و با کمال تأسف باید عرض کنم که با این ۱۷ درصد که جزء کوچکی از آن یعنی شش میلیون تومان صرف هزینه های فنی و عمرانی میشود علاوه بر اینکه وزارت کشاورزی نخواهد توانست هیچگونه منشاء اثر و تحولی بشود بلکه از نتایج سالها زحمت و میلیونها خرج نیز استفاده نتواند شد اگر آقایان میل دارند اینچنان بنده پیشنهاد میکنم و آقایان هم کمک بفرمائید وزارت کشاورزی بهمان صورت اداره کل فلاح سابق در بیاید والا برای کار گران وزارت کشاورزی واقعاً مایه شرمندگی است ما چگونه میتوانیم با دست خالی اقدام کنیم (سعیدی - باید حقوقشان را اضافه بکنید) (حشمتی - سه کرج راول کنند) (مصطفی ذوالفقاری - چهار کرده اید؟ در خیابانها میگردد)

اینجا بعضی میرسانم که مهندسی کشاورزی و دکتران دامپزشک که در خدمت وزارت کشاورزی هستند توانائی و شایستگی هر گونه خدمت را داشته و شائق خدمت به آب و خاک خود هستند منتها باید معاش آنها را تأمین و وسائل کار در اختیارشان گذاشت تا بتوانند مصدر خدمت و تحولی بشوند.

در خانه عرض میکنم که اد لاحت اقتصادی در کشور ما بستگی فوق العاده به کشاورزی داشته و نتیجتاً با تقویت و توسعه کشاورزی است که میتوان بر مشکلات اقتصادی فائق آمد و موجبات عمران و آبادی مملکت را فراهم نمود.

در حال بنده بعضی آقایان میرسانم همانطور که جناب آقای صدرزاده فرمودند باید برای دفع آفت یک فکری کرد الا ان دوام است که اصلاح بودجه را خواستیم و جهت نگاه روز بیشتر با خسران نمایانده و این ۴ میلیون تومان برای دفع آفت و احتیاجات دیگر است که دو میلیون و دو صد هزار تومانش خرج دفع ملخ شده و یک میلیون و هشتصد هزار تومان باقی مانده است و این یک میلیون و هشتصد هزار تومان برای کسر بودجه

است کدیگر تقریباً اصل چهار بار کمکی می کند الا ان گاوهای بنگاه دامپروری به اندازه کافی علوفه و آذوقه ندارند و این مبلغ برای مغارج تا آخر سال و اول سال آینده است لذا این یک میلیون و هشتصد هزار تومان را برای دفع آفات و برای سایر کارهای زراعتی برای دامپزشکی و برای دامپروری از حضورتان تقاضا کردیم.

**نایب رئیس** - پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده است. قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم مذاکرات کافی باشد. مهدوی

**نایب رئیس** - آقای مهدوی بفرمائید.

**مهدوی** - بنده تصور میکنم که در اطراف این موضوع با اندازه کافی صحبت شده است و کسی هم با اصل عمل که مبارزه با آفت بشود مخالفتی ندارد (صحیح است) یک موضوعی را که بنده خودم میخواستم برض آقایان برسانم این است که اغلب در جاهائیکه صرفه جوئی میشود بد نیست ولی در این مورد بخصوس که ۴ میلیون تومان وزارت کشاورزی اعتبار برای دفع آفات ملخ خواسته است صرفه جوئی موردی ندارد و در یک مورد بخصوس که بنده اطلاع دارم میخواهم عرض کنم سال گذشته یک منطقه زیادی در سبزوار تخم ملخ ریخته شد و بایستی در آنجا مبارزه میشد چندین ماه از مشهد با تهران مکاتبه شد با وزارت کشاورزی باین عنوان که ما بودجه کافی نداریم که سم در اختیار محل بگذاریم اقدامی برای دفع ملخ نکرد تا بالاخره بعد از مکاتبات زیاد وزارت کشاورزی جواب داد با اداره کشاورزی مشهد که سه سو خود عمل محل تهیه کنند تا ماسم در اختیار کشاورزی مشهد بگذاریم در همان موقع انبار کشاورزی مشهد یک مقدار زیادی سموس داشت و برای گاوهای زراعتی ذخیره کرده بود بنده میخواهم تقید کنم از وزارت کشاورزی البته جنابعالی هم که تشریف دارید خیلی دقت هم بفرمائید اما همین بودجه کم را هم بفرمائید که در موقع مصرف برسد راجع بسبزوار عرض کنم استعدا میکنم یادداشت بفرمائید برای سال آینده یک تجهیزات کافی بشود که ر این قسمت در سال بعد درست مبارزه نشود و خطر بزرگی سبزوار را تهدید بکنند.

**نایب رئیس** - آقای خلعتبری بفرمائید

**خلعتبری** - بنده یک روزی رفتم ب مجلس سناری طرح لایحه را گذرد کسری دیدم ۱ نفر در این قسمت صحبت کردند و همه آقایان هم گوش کردند مطالبی گفته شد هر کس مطلبی داشت بیان کرد همه آزادی بیان داشتند این مسأله دفع آفات خیلی مهم است و مورد ابتلای تمام شهر است آنهاست هر تذکری که داده شود لازم است و خیلی مهم است تذکرات جناب آقای ارباب تذکر جناب آقای مهدوی بنابر این چون این یک مسأله ای است که خیلی اهمیت دارد اگر اجازه



بفرمائید، ۵ دقیقه دوسه نفر دیگر هم صحبت بفرمایند خیلی خوبست چون اگر این لایحه گذشت دیگر حق نداریم صحبت کنیم بنابراین در این قضیه از لحاظ اهمیت موافقت بفرمائید یکی دو نفر دیگر صحبت کنند منجمله خود بنده چون درمآورد ندران محصول مردم دارد از بن میرود اجازه بفرمائید اقلاً ارائه طریق بشود که ایجاد ثمره بکند بنا بر این خواستم تقاضا کنم که آقایان بکفایت مذاکرات رأی ندهند تا دیگران هم صحبت کنند

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات ( معاون وزارت کشاورزی - بنده يك كلمه عرضی دارم) بفرمائید

**معاون وزارت کشاورزی** - عرض کنم که سوء تفاهمی برای جناب آقای مهدوی تولید شده بود که باید عرضشان برسد مادر ایران سه نوع ملخ داریم، ملخ مراکشی ملخ دریائی، ملخ ابطالیائی این اعتباری که در بودجه گذارد شده جهت مبارزه با ملخ دریائی است که در بودجه کل کشور مربوط بملخ دریائی منظور شده است، یول ملخ دریائی را نمیشود برای مبارزه با ملخ مراکشی در خراسان ما استفاده بکنیم این تقاضا را کردیم که این اعتبار در باره سایر دفع آفات هم مورد استفاده قرار بگیرد

**چند نفر از نمایندگان** - ملخ ملخ است چه فرق دارد؟

**نایب رئیس** - رأی گرفته میشود به کفایت مذاکرات، آقایانی که موافقت قیام بفرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد و فقره پیشنهاد رسیده است که قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد مینماید که بعد از جمله بارعایت کامل مقررات جمله در سال جاری و سال ۳۵ افزوده شود  
**نایب رئیس** - آقای صدر زاده بفرمائید

**صدرزاه** - در ضمن بیانی که قبلاً عرض کردم این نکته را تذکره کردم که الان تا پایان سال دو ماه بیشتر مانده است و عملیات دفع آفات هم بیشتر در ماه فروردین و ماههای بعد انجام میشود اگر در این قانون پیش بینی نشود که از آن اعتبار بتوانند در ماه فروردین هم استفاده کنند نتیجه این خواهد شد که این اعتبار آخر سال جزو صرفه جوئی خواهد رفت و برای استفاده از این اعتبار وزارت کشاورزی محتاج بتجدید و تقدیم

لایحه ای خواهد بود، بنا بر این برای اینکه بتوانیم آن نتیجه ای که از دفع آفات منظور داریم بگیریم بنده پیشنهاد کردم در ضمن همین قانون این نکته را قید کنیم که از همین محل اگر احتیاج پیدا کردند مجاز باشند در سال آینده هم استفاده کنند و محتاج به تجدید قانون دیگری نباشند

**نایب رئیس** - آقای بختیار بفرمائید

**سپانمراد بختیار** - آقای معاون وزارت کشاورزی تشریف آوردند پشت تریبون و فرمودند که ما سه نوع ملخ سه نوع بنده خواستم عرض کنم که ملخ سه نوع نیست بلکه ۴ نوع است و آن نوع ملخی که بیشتر از همه مزاحم است خود ما وورین وزارت کشاورزی هستند برای اینکه هیچ اقدامی از طرف آنها نمیشود اگر هم کاری شده است خود مردم کردند چون وزارت کشاورزی کاری نمیکند ممکن است آقای معاون وزارت کشاورزی تشریف بیاورند اینجا بفرمائید که تا کنون خود وزارت کشاورزی چه عملی کرده، اگر هم کاری شده از بودجه خود مردم بوده است و همانطوری که فرمودند از ۲۷ میلیون تومان بودجه ای که وزارت کشاورزی دارد ۲۰ میلیون را آقایان میگیرند صرف حقوق و پرسنل میکنند باندازه ۲۰ میلیون هم مزاحم مردم هستند برای اینکه وسیله ندارند و چون وسیله ندارند میروند در دهات عوض اینکه عملیات کشاورزی و دفع آفات را مردم یاد بدهند مزاحشان میشوند خود جنابعالی هم اطلاع دارید موضوع دفع آفات و مبارزه ای که با امراض حیوانی باید بشود اینها عملیاتی است که باید وزارت کشاورزی بکند ولی با ۶ میلیون تومان نه قادر است این کار را بکند و نه بصرفه مملکت است چون ۲۷ میلیون تومان بودجه دارد که بیست میلیون تومان آن صرف مخارج حقوق و پرسنل میشود و بنده نمیدانم وزارت کشاورزی اصلاً کجا هست با اینکه بنده از يك حوزه ای وکیل هستم که بیشتر مردمش کشاورز هستند را بخواهم مردم آنجا غیر از این که زحمتی با آقایان رواساء داده باشم و مزاحمتی شده باشد کاری پیش نرود از این جهت بنده پیشنهاد میکنم که علی الاصول این موضوع بماند و این پول را اضافه نکنید برای این که يك

خرجی است روی خرج دولت و مسلماً نچه هاید کشاورزان مملکت نخواهد شد

**نایب رئیس** - آقای مسعودی بفرمائید

**مخبر کمیسیون بودجه (مسعودی)**

چون بنده سمت مخبر کمیسیون بودجه را دارم (حشمتی - و ناچارید) میخواهم عرض کنم وقتی که بودجه کشاورزی مطرح بود یکی از شیفرهایش این بود، بررسی های علمی و مخارج لابراتوار در سال ۱۰ هزار تومان بنده هر چه کردم که با ده هزار تومان چه میشود کرد، با آقای وزیر کشاورزی گفتم اگر بخواهید در مملکت ما يك بررسی های علمی از نظر خاک و هوا بشود حداقل صد میلیون تومان پول لازم دارد و من که مخبر کمیسیون هستم خجالت میکشم از این رقم دفاع کنم زیرا این بودجه ۱۰ هزار تومانی که شما گذاشته اید اصلاً موضوعی ندارد برای بررسیها در دنیا ای امروز جناب آقای بختیار برای تربیت تکنیسین مقدار زیادی پول خرج میکنند در صورتیکه ما در مملکتان مطلقاً تکنیسین فلاحت نداریم اما این تقصیر آقای وزیر کشاورزی یا فرض کنید معاونش نیست در وزارت کشاورزی ما واقعا يك افراد تحصیل کرده و مطلقاً وجود دارد ولی پولی نیست که عملی انجام دهند و همانطور که عرض کردم بررسی کنند باید خاک مملکت را بشناسند هوای مملکت را بشناسند که در این مملکت چه گیاهی کاشته بشود، پول نیست شما چرا ایراد میخواهید بگیرد بيك وزارتخانه ای که ۲۰ میلیون تومان از ۲۷ میلیون بودجه اش صرف حقوق میشود بنده می خواهم عرض کنم خوشبختانه کار هائیکه در برنامه هفت ساله پیش بینی شده است و مطالعاتی که بنده از نظر تکنیک در آلمان کردم در ظرف يك ماه مسافرتم کردم و صنایع سنگین و طرز فلاحت را کاملاً دیدم در روسیه شوروی هم دیدم اگر کار اساسی بخواهید در مملکت ما شروع بشود همین کار سازمان برنامه است و باور بفرمائید تا ندیده بودم نمیتوانستم قبول کنم دیدم يك برنامه ای از طرف وزارت

کشاورزی طبق همین اعتبارات سازمان بر که يك برنامه عمومی است تهیه شده و ما در آینده باید روی این برنامه باشد و وارم این برنامه وزارت کشاورزی خوب عمل کند در گذشته نه کاری میتوان بکند با این بودجه و نه باید توقع داشت اینجا واقعا مهندسین شریف چه در آبیاری و چه در خود وزارت کشاورزی و می خواستم با آقای سلطانمراد بختیار کنم که فرمودند غیر از سه نوع ملخ نوع ملخ اعضای وزارت کشاورزی هستند که میشوند اینطور نیست اگر کسی واقعا کند توجه میکند که اعضای وزارت کشاورزی يك عده شان مردمان بسیار شریف و کرده و مطلع هستند ولی بدون یانبودن وسیله هم نمی شود کار کرد

**نایب رئیس** - رأی میگیریم آقای صدر زاده آقایانی که موافقت بفرمایند (عده کمی قیام نمودند) نشد

**نایب رئیس** - چون چند نهاد دیگر هم هست پیشنهاد شده بنا بر این بقیه این لایحه می جلسه آینده

**۷- اخذ رأی و تصویب فوریت لایحه اجازه عوارض از بنزین مستمندان**

**نایب رئیس** - جناب آقای کشور و همچنین عده ای از آقایان تقاضا کرده اند که لایحه عوارض مستمندان با يك فوریت مطرح نفر از نمایندگانی - مخالفی نیست رأی میگیریم آقایانی که موافقت (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

**۸- تعیین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه**

**نایب رئیس** - با اجازه را ختم میکنم جلسه آینده سه شنبه دستور همین لایحه عوارض لایحه اعتبار وزارت کشاورزی که در دستور بود (مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر) نایب رئیس مجلس شورا